

مژده به اداره های دولتی، مؤسسه های داخلی و خارجی!

تا اکنون کارمندانی که تنخواه ماهانه شان را از طریق عزیزی بانک دریافت کرده اند، از ما خوشنود استند؛ چون عزیزی بانک به «سرعت و دقت» تأکید دارد. شما هم می توانید در عزیزی بانک برای کارمندان تان «حساب معاش» ایجاد کنید و از خدمات رایگان ماشین های اتومات صرافیه ما بهره مند شوید.



عزیزی بانک، بانک مورد اعتماد همه

www.azizibank.af 1515

یادداشت روز

ترامپ و ناگزیری او در جنگ افغانستان

جنرال جان نیکلسون فرمانده نیروهای بین المللی در افغانستان روز پنجشنبه در سخنرانی بی در کنگره ای آمریکا گفته است که برای موفقیت در جنگ افغانستان نیاز به شمار بیشتر سربازان آن کشور است. آقای نیکلسون گفته است که نیروهای موجود برای انجام عملیات های ضد تروریستی کافی است، اما برای آموزش نیروهای افغانستان باید شمار بیشتر نیروهای امریکایی به افغانستان مستقر شوند. همزمان ترامپ و غنی رؤسای جمهور دو کشور نیز با همدیگر تلفنی صحبت کرده و در مورد مسائل مختلف بحث و تبادل نظر نموده اند.

در خواست افزایش نیروهای امریکایی در افغانستان از سوی فرمانده عمومی نیروهای ناتو در حالی است که ماموریت رزمی این نیروها در سال ۲۰۱۴ م به پایان رسیده بود و این نیروها در چارچوب ماموریت «حمایت قاطع» تنها مسئولیت آموزش و مشاوره به نیروهای امنیتی افغان را داشتند. براساس برنامه های قبلی، قرار بود نقش نیروهای امریکایی پس از سال ۲۰۱۶ تنها برای محافظت از سفارت آن کشور در افغانستان تقلیل یابد اما در براساس برنامه های جدید دولت اوپاما، ماموریت ۸۴۰۰ سرباز امریکایی مستقر در افغانستان تا پایان سال ۲۰۱۷ م تمدید شد. حالا در خواست شمار بیشتر نیروهای امریکایی نشانه یی از یک برنامه ی جدید در افغانستان است که مشخص نیست آینده را چگونه رقم خواهد زد.

با روی کار آمدن اداره ی ترامپ در امریکا، چگونگی رابطه ی آن کشور با افغانستان و مواجهه با...

ادامه در صفحه ۲



استقبال یوناما از اراده ی حکومت برای برگزاری انتخابات پارلمانی

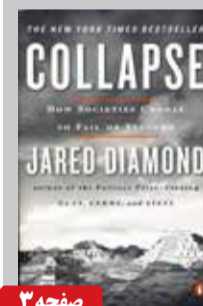
صفحه ۲



سیاست در نگاه ترامپ و نوستالژی بر خور دتمدن ها

دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده، قانونی را زیر عنوان «منع ورود تروریست های خارجی به ایالات متحده جهت محافظت از ملت امریکا» به تاریخ ۸ دلو ۱۳۹۵ امضا رسانید. این قانون، شهروندان ۷ کشور عمدتاً مسلمان نظیر ایران، سوریه، عراق، یمن، لیبیا، سودان و سومالیا را از...

صفحه ۴



فروپاشی

بخش اول

معرفی

هر که ناموخت از گذشت روزگار جارد دایموند استاد دانشگاه لاس آنجلس است که سلسله ی پژوهش هایش را از فیزیولوژی آغاز کرد و تا زیست شناسی تکاملی و جغرافیای حیاتی ادامه...

صفحه ۳

با افغان بیسیم میلیونر شوید!

1 جایزه بزرگ

1,000,000

افغانی

با مصرف نمودن 60 افغانی و یا بیشتر از آن در هر هفته چانس برنده شدن را بدست آورید!

با مصرف نمودن کریدت بیشتر، چانس برنده شدن شما بیشتر میگردد! برنده گان جوایز فقط از طریق شماره 152 مطلع خواهند شد و افغان بیسیم هیچ وقت در بدل جایزه نقضای پول و یا کریدت نمی کند.



راجستر سیمکارت حتمی است. مشتریانی این جوایز را بدست آورده میتوانند که سیمکارت به اسم خودشان ثبت باشد.

این پیشکش الی 10 فور 1396 ادامه دارد.



ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan



www.afghan-wireless.com



...طولانی‌ترین جنگ تاریخ امریکا، یکی از مباحث اساسی محسوب می‌شد. با این وجود، ترامپ هم در زمان رقابت‌های انتخاباتی و هم در دوره‌های پس از آن حرف مشخصی را در مورد افغانستان و جنگ جاری در این کشور نداشت. برخی از اظهارات او در این زمینه نامشخص و چندپهلوی و گاه‌ها متناقض بود، بنابراین درک برنامه‌های او برای بسیاری از کارشناسان و تحلیل‌گران امور دشوار بود. با توجه به ویژگی‌های شخصیتی ترامپ، مشکل در درک سیاست‌های ایالات متحده در دوره‌ی ترامپ مضاعف می‌شد.

اکنون طرح افزایش شمار سربازان امریکایی در افغانستان نشانه‌ی آن است که سیاست اعلام‌نشده‌ی تداوم جنگ و حضور موثر امریکا در افغانستان عملی خواهد شد. به‌رغم موضع‌گیری‌های چندپهلوی ترامپ، این کشور چاره‌یی جز حضور موثرتر در افغانستان ندارد و اداره‌ی ترامپ نیز به این واقعیت واقف است که به‌سادگی نمی‌تواند نقطه‌ی پایان به طولانی‌ترین جنگ تاریخ امریکا بگذارد.

مجموعه تحولات در عرصه‌ی بین‌الملل و همچنین شکندگی اوضاع سیاسی و امنیتی در افغانستان، امریکا را درگیر یک مساله‌ی جدید در افغانستان کرده است. ورود قدرت‌مند روسیه و ایران در منازعات منطقه‌یی به‌خصوص در سوریه و اخیراً اقدامات آنان در افغانستان برای امریکا مایه‌ی نگرانی است. روسیه و ایران بارها تماس خود با طالبان را تایید کرده‌اند و فراتر از این روسیه ماه گذشته نشست سه‌جانبه‌یی را با حضور چین و پاکستان بدون دعوت از دولت افغانستان میزبانی کرد. قرار است دور دوم این نشست به‌زودی در مسکو برگزار شود و سه کشور قدرت‌مند منطقه راه‌حل‌هایی را برای مشکلات امنیتی افغانستان با توجه به منافع استراتژیک خود جست‌وجو کنند. تا حال، چین و روسیه هر دو در مواردی با نیروهای ناتو همکاری داشتند و پاکستان نیز به‌رغم رویکرد دوگانه، در ائتلاف مبارزه علیه تروریزم به‌رهبری امریکا مشارکت داشت. اما اکنون به نظر می‌رسد این کشورها، در نظر دارند راه‌های متفاوتی را تجربه کنند و این بار فعالانه‌تر وارد عرصه‌ی تحولات سیاسی و امنیتی در افغانستان گردند.

اقدامات روسیه و ایران همانگونه که نقش امریکا را در تحولات سوریه و عراق به چالش کشید، در افغانستان نیز می‌تواند چالش‌ساز شود. این کار برای امریکا می‌تواند یک شکست استراتژیک محسوب شود و اگر توجه خود را معطوف به حمایت از دولت افغانستان و سرکوب گروه‌های مخالف ناسازد، فرصت بیشتری برای روسیه و ایران و دیگر کشورهای رقیب خود فراهم کرده است. بدون شک، چنین چیزی برای امریکا که تاکنون هزاران سرباز خود را در جنگ افغانستان از دست داده و میلیاردها دلر را به مصرف رسانده است، غیرقابل قبول خواهد بود و مقابله با آن برای جمهوری‌خواهان امریکا به‌خصوص شخص ترامپ و مقام‌های ارشد امنیتی و نظامی اداره‌ی او که خواهان سیادت امریکا با قدرت نظامی در جهان هستند، یک اولویت خواهد بود.

از طرف دیگر، حمایت امریکا از دولت افغانستان ضامن اصلی حفظ نظم موجود در افغانستان است. حکومت وحدت ملی که با پا درمیانی اداره‌ی او‌یاما روی کار آمد، درگیر شکاف‌های عمیق سیاسی است. این شکاف‌ها هرلحظه امکان فروپاشی حکومت و نظام را ممکن ساخته و اگر یک نیروی قوی برای نگهداری این بنای ترک‌خورده وجود نداشته باشد، اندک‌لرزه‌ی سیاسی می‌تواند آن را نابود سازد. حمایت قوی اداره‌ی او‌یاما از حکومت وحدت ملی، ثبات نسبی‌یی را برای آن ایجاد کرده بود و با روی کار آمدن ترامپ نگرانی‌ها این بود که دولت امریکا با روگردانی از افغانستان، زمینه را برای فروپاشی نظم موجود فراهم کند.

علی‌رغم نگرانی‌های جدی، به نظر می‌رسد ترامپ نیز در نظر دارد از حکومت وحدت ملی حمایت کند و گروه‌های مخالف را در معرض فشار بیشتر قرار دهد. بدون شک این کار می‌تواند خیال دولت‌مردان افغانستان را تا حدودی آسوده کند و این اطمینان را به آنان بدهد که دست‌کم تا پایان این دوره، به‌رغم همه‌ی مخالفت‌ها روی کار خواهند بود و شکاف‌ها و مخالفت‌های سیاسی و نظامی، به فروپاشی کامل و یا سقوط در هرج‌ومرج منجر نخواهد شد.

استقبال یوناما از اراده‌ی حکومت برای برگزاری انتخابات پارلمانی

انتخابات اصلاحات سازمانی، تقویم انتخابات و فهرست نیازمندی‌های آن را تنظیم نمایند تا کارها بدون وقفه انجام شود.

به گفته‌ی آقای غنی، کمیسیون مستقل انتخابات برنامه‌ها و امکانات را باید به شکلی تنظیم و تدارک نمایند که هم سبب کاهش هزینه گردد و هم پایدار باشد.

به نقل از اعلامیه‌ی ارگ ریاست جمهوری، آقای غنی از همکاران بین‌المللی خواسته تا اقدامات و کمک‌هایی را که به‌خاطر برگزاری انتخابات آینده روی دست می‌گیرند، طوری فراهم کنند که از قوام و دوام بیشتر برخوردار باشد و در انتخابات‌های بعدی نیز از آن‌ها استفاده شود.

رئیس‌جمهور همچنان از همکاران بین‌المللی افغانستان خواسته تا با وزارت مالیه زمینه‌ی همکاری مالی را جست‌وجو نمایند.

رئیس‌جمهور در پایان جلسه گفته است که ما باید بنیادها و معیارهای را در عرصه‌ی انتخابات مشخص سازیم که انتخابات‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹ براساس همین معیارها انجام شود.

به گفته‌ی وی کمیسیون مستقل انتخابات باید مردم، نهادها مدنی و سیاسی و رسانه‌ها را در جریان اقدامات خود در راستای برگزاری انتخابات قرار دهد.

این گفته‌ها از سوی رئیس‌جمهور غنی در حالی مطرح می‌شود که براساس ماده‌ی ۸۳ قانون اساسی، مدت کار اعضای پارلمان در اول ماه سرطان سال پنجم کاری‌شان بعد از اعلان نتایج اتخابات پایان می‌یابد و انتخابات پارلمانی باید ۳۰ تا ۶۰ روز قبل از پایان دوره‌ی کار مجلس نمایندگان برگزار شود.

با توجه با قانون اساسی، انتخابات پارلمانی باید در ماه ثور یا جوزای سال ۱۳۹۴ برگزار می‌شد اما رئیس‌جمهور غنی مدت کار پارلمان را برای یک سال تمدید کرد.

فعالیت «صلیب سرخ» در کشور به تعلیق در آمد

مدیر عملیات کمیته‌ی صلیب سرخ گفته است که افغانستان برای آن‌ها مهم است و می‌کوشند فعالیت‌های‌شان را برای کمک به مردم جنگ‌دیده از سر بگیرند.

این سازمان ۳۰ سال است که بی‌وقفه در افغانستان فعالیت دارد. پس از وقوع این رویداد، این سازمان در توییتری نوشت که از خیر حمله به کارمندان خود «به شدت تکان و ضربه خورده است.»

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، براساس بیانیه صلیب سرخ، تیمی که هدف حمله‌ی «مردان مسلح ناشناس» قرار گرفت شامل سه راننده و پنج مامور میدانی بود.

مقام‌های دولتی گفتند که آن‌ها مشغول انتقال تدارکات به نواحی آسیب‌دیده در برف و باران اخیر بودند که هدف قرار گرفتند.

اجساد این شش نفر – که بسیاری از نزدیک چندین تیر خورده بودند – به مرکز ولایت و از آن‌جا به مزار شریف منتقل شد. جست‌وجو برای یافتن دو کارمند مفقود صلیب سرخ در جریان است.

فرمانده برجسته‌ی داعش کشته شد

در غرب شهر کابل ۲۷ تن کشته و ۶۴ تن دیگر زخمی شدند. این حمله در هنگام برگزاری مراسم اربعین به‌وقوع پیوست. گروه دولت اسلامی یا داعش با نشر بیانیه‌یی در آن زمان مسئولیت این حمله را بر دوشت گرفت.

خبرنامه به نقل از رئیس‌جمهور غنی نوشته است: «آنانی‌که علیه ملت ما دست به جنایت می‌زنند، از پنجه‌ی عدالت فرار کرده نمی‌توانند، یا در محکمه‌ی عادلانه و یا هم در اثر حملات نیروهای شجاع امنیتی و دفاعی کشور به سزای اعمال‌شان خواهند رسید.»

در این اعلامیه آمده است که این عملیات از سلسله اقداماتی است که به دستور رئیس‌جمهور و فیصله‌ی شورای امنیت ملی و در مشارکت به نیروهای حمایت قاطع به‌منظور تشخیص، تعقیب و هدف قراردادن قوماندانان ارشد گروه‌های تروریستی صورت گرفته است.

فرمانده ناتو: به نیروهای بیشتر در افغانستان نیاز است

اطلاعات روز: جنرال جان نکلسون، فرمانده عمومی نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان گفته است که جنگ افغانستان به بن‌بست رسیده و برای بیرون‌رفت از این وضعیت، به چند هزار نیروی نظامی تازه نیاز است.

این جنرال امریکایی که در جلسه‌ی استماعیه سنای ایالات متحده‌ی امریکا صحبت می‌کرد، گفت که استقرار چند هزار نیروی بیشتر ناتو در افغانستان ممکن بن‌بست موجود را به سود حکومت افغانستان تغییر دهد.

وی همچنان گفته است که حکومت افغانستان به‌گونه‌یی کمک شود تا قادر به گرفتن موضع تهاجمی در برابر شورشیان و گروه‌های دهشت‌افکن شود.

جنرال جان نکلسون گفته است که طالبان دشمن ایالات متحده است و اگر این گروه در فهرست دهشت‌افکنی امریکا قرار بگیرد، قوای امرکایی این گروه را مورد حملات بیشتر قرار خواهد داد.

به نقل از رسانه‌ها، آقای نکلسون گفته است هرگاه سنای امریکا منابع تمویل قوای هوایی افغانستان را تصویب کند، توانایی عملیات تهاجمی قوای افغانستان تقویت خواهد شد، بنابراین لازم است تا هرچه زودتر طیاره‌های جنگی وارد جنگ در افغانستان شود.

در حال حاضر حدود ۱۳۳۰۰ سرباز خارجی به‌شمول ۸۴۰۰ سرباز امریکایی در چوکات ماموریت حمایت قاطع ناتو در افغانستان مستقر اند که بیشتر ماموریت آموزش و مشوره‌دهی به نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان را به عهده دارند.

در همین حال رئیس کمیته‌ی دفاعی سنای امریکا، جان مکین، گفته است که حکومت دونالد ترامپ فرصتی را در اختیار دارد تا قوای امریکایی را در افغانستان افزایش دهد تا از این طریق فرماندهان امریکایی دست بازر داشته باشند.

او گفته است: «فرماندهان ما باید منابع و صلاحیت‌های لازم را داشته باشند تا ابتکار عمل را از نزد دشمنان ما بگیرند.»

در پاسخ به سوالی، جنرال نکلسون گفته است که در حال حاضر، گروه طالبان در مقایسه به سال ۲۰۱۵ میلادی، ۱۵ در صد بیشتر قلمرو افغانستان را در اختیار دارد.

جنرال نکلسون همچنین گفته که وضعیت افغانستان با پیچیدگی خاص دست و پنجه نرم می‌کرد، زیرا از جمله‌ی ۹۸ گروه دهشت‌افکنی که در فهرست ایالات متحده قرار دارد، ۲۰ گروه دهشت‌افکنی آن فهرست در افغانستان و پاکستان فعالیت دارند.

غنی و ترامپ

تلفنی باهم گفت‌وگو کردند

اطلاعات روز: محمد اشرف غنی رئیس‌جمهور و دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده‌ی امریکا درباره‌ی مسایل افغانستان و منطقه، امور اقتصادی، انکشافی و سرمایه‌گذاری باهم تلفنی صحبت کرده‌اند.

ارگ ریاست جمهوری با نشر این خیر گفته است که آقایان غنی و ترامپ در مورد مبارزه با خطرات تروریسم و کشورهای حامی آن نیز بحث و گفت‌وگو کرده‌اند.

براساس اعلامیه‌ی ارگ، دو جانب در مورد تهداب مستحکم همکاری دو ملت و دولت که براساس منافع و خطرات مشترک استوار است، صحبت نموده‌اند.

در این اعلامیه آمده است که رئیس‌جمهور غنی با اشاره به نقش قوای امنیتی و دفاعی کشور که از مرحله‌ی دشوار عبور کرده‌اند، گفت که نیروهای حمایت قاطع و نیروهای امریکایی به‌حیث ممد اساسی و عمده در برقراری امنیت و مبارزه علیه تروریسم در کنار نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان قرار داشته و سهم بوده‌اند. آقای ترامپ هم گفته است که موفقیت افغانستان و تلاش‌های این کشور در راستای مبارزه با تروریسم به‌صورت عملی و موثر، دولت و ملت دو کشور را به‌حیث شرکای عمده مبدل ساخته است.

رئیس‌جمهور امریکا در این گفت‌وگوی تلفونی گفته است که به‌زودی با رئیس‌جمهور غنی دیدار خواهد کرد و دو طرف توافق کرده‌اند که تیم‌های کاری دو کشور روی مسایل بحث شده و دیدار روسای جمهور دو کشور کار نمایند.

فروپاشی

■ جارد دایموند ■ بخش اول



مترجم: غفار صفا ■

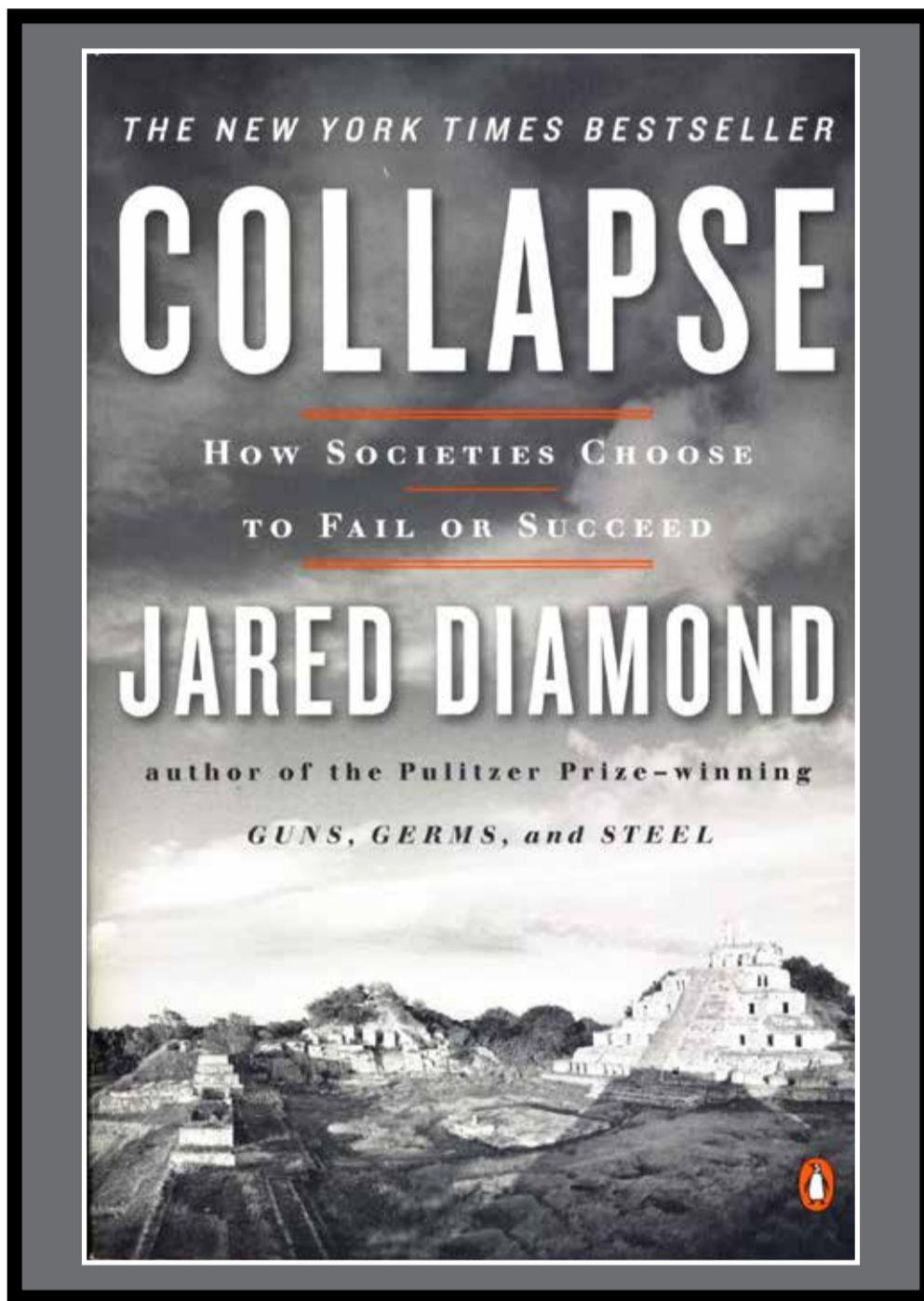
هر دو در خطوط عرض البلد شمالی واقع شده بودند، تابستانی کوتاه برای تهیهی علوفه و یونجه داشتند. این نوع اقلیم حتی در سالهای خوب هم در مقایسه با مزرعه‌های واقع شده در عرض البلد جنوبی کمتر از حد مطلوب به حساب می‌رفت.

هر دو مزرعه در برابر تغییرات اقلیمی آسیب‌پذیر بودند؛ سردی هوا و خشکسالی در حوزه‌های مربوط هولز و گاردِر از نگرانی‌های اصلی بود؛ هر دو مزرعه از محلات پرجمعیت دورافتاده و به دلیل مشکلات ترانسپورتی انتقال محصولاتشان گران تمام می‌شد و آن‌ها را در مقایسه با سایر مزرعه‌هایی که نزدیک به مراکز شهری بودند در یک موقعیت دشوار قرار داده بود. اقتصاد هر دو فارم در گرو تغییر در کمیت و کیفیت تولیداتشان با توجه به تقاضای مصرف‌کننده‌ها و همسایه‌ها بود که از کنترل صاحبان این مزرعه‌ها فراتر می‌رفت. در یک چشم‌انداز وسیع‌تر، وضعیت اقتصادی مناطقی که هر دو فارم در آن‌ها رشد می‌کردند، مربوط می‌شد به مد و جزر مداخله‌ی دشمنان دور و نزدیک آن‌ها.

بزرگترین تفاوت میان مزرعه‌های هولز و گاردِر در وضعیت کنونی‌شان است. مزرعه‌ی هولز که به‌واسطه‌ی پنج خواهر و برادر و همسران‌شان اداره می‌شود، در ناحیه‌ی بیتروت از نواحی غربی ایالت مونتانا‌ی امریکا قرار دارد. این ناحیه در حالی دوران شگوفایی‌اش را سپری می‌کند که شهرستان راویلی که هولز در آن موقعیت دارد، یکی از مناطق دارای بلندترین میزان رشد جمعیت در میان سایر مناطق امریکاست. تیم، توردی و دن هولز از مالکان این مزرعه‌ی پیشرفته به‌لحاظ فناوری، مرا به بازدید از مزرعه‌ی‌شان دعوت کردند و با حوصله‌مندی در مورد جذابیت و فراونشیب تولید لبنیات در مونتانا برایم توضیحات دادند. امکان ندارد ایالات متحده در کل و مزرعه‌ی هولز به‌خصوص، در آینده‌ی قابل پیش‌بینی از هم بپاشد. اما مزرعه‌ی گاردِر، مزرعه‌ی اسقف نوریس در جنوب غربی گرینلند، پنجمین سال پیش از امروز متروک شده. جامعه‌ی نوریس گرینلند به‌طور کامل فروپاشیده، هزاران باشنده‌ی آن یا در اثر گرسنگی و یا در اثر ناآرامی‌ها و جنگ‌ها با دشمنان از بین رفته و یا هم مهاجر شدند تا اینکه کسی از آن‌ها باقی نماند. در حالی که دیوارهای سنگی ستبر اسطبل‌ها، انبارها و کلیسای نزدیک گاردِر هنوز پابرجا هستند. من موفق شدم تا تعداد اسطبل‌های گاوها را حساب کنم. اما کسی از صاحبان فارم وجود نداشت تا داستان جذابیت و فراونشیب آن را برایم روایت کند. هنگامی که فارم نوریس گرینلند در اوج شگوفایی خود بود، سقوطش مانند فارم هولز و یا امریکای امروز ناممکن به نظر می‌رسید.

بگذارید کمی توضیح بدهم: با ترسیم این مشابهت‌ها میان فارم‌های هولز و گاردِر نمی‌خواهم ادعا کنم که جامعه‌ی امریکا در حال فروپاشی است. در حال حاضر، حقیقت مخالف این ادعا ست. فارم هولز در حال توسعه است، به‌کارگیری و استفاده از فناوری جدیدش نیز به‌عنوان یک الگو در فارم‌های همسایه در دست مطالعه قرار دارد و ایالات متحده نیز در حال حاضر پر قدرتمندترین کشور جهان است، و نه هم ادعا می‌کنم که فارم‌ها و جوامع در کل متمایل به فروپاشی‌اند: برخی از آن‌ها فروپاشیدند، مانند گاردِر، در حالی که دیگران بدون وقفه برای هزاران سال باقی ماندند: هنگام برگشت از سفر به هولز و گاردِر که هزاران مایل از هم فاصله دارند، به این نتیجه رسیدم که حتی ثروتمندترین جوامع دارای پیشرفته‌ترین فناوری، با چالش‌های فزاینده‌ی محیط‌زیستی و اقتصادی روبه‌رو اند که نباید آن را دست کم گرفت. بسیاری از مشکلات ما امروز به‌طور کل شبه‌مشکلاتی است که فارم گاردِر و جامعه‌ی نوریس گرینلند را تضعیف کرده بود و مشکلاتی که بسیاری از جوامع گذشته تلاش کرده بودند تا آن را حل کنند. برخی از آن جوامع ناکام ماندند (مانند نوریس گرینلند) و برخی هم پیروز شدند مانند (جاپانی‌ها و تیکویین‌ها).

ادامه دارد...



اسطبل‌ها و انبارها در ردیف‌های منظم مقابل هم به‌مراتب بهتر از هر مزرعه‌ی در آن نواحی به‌شمار می‌رفت. هر دو مزرعه در تابستان دارای چراگاه‌های سرسبزی بودند و در پایان تابستان هم خوراکی‌های زمستان گاوهای خود را از همین چراگاه‌ها تهیه می‌کردند؛ سیستم آبیاری را برای افزایش علوفه‌ی تابستان و یونجه‌ی زمستان مفید می‌دانستند. مساحت این مزرعه‌ها برابر و انبارهای‌شان باهم مشابه بودند. با این تفاوت که شمار گاوهای مزرعه‌ی هولز بیشتر از مزرعه‌ی گاردِر بود (۲۰۰ راس / ۱۶۵ راس). صاحبان این مزرعه‌ها که در عین حال شدیداً مذهبی نیز بودند، در نواحی‌شان به‌عنوان رهبران اجتماعی شناخته می‌شدند. هر دو مزرعه در یک موقعیت طبیعی خیلی زیبا واقع شده، با پس‌منظری از کوه‌های برف‌گیر که دریاچه‌های خروشان پر از ماهی از آن‌ها به سوی رودخانه‌های منتهی به مزرعه‌های هولز و گاردِر سرازیر می‌شدند، گردشگران زیادی را از نواحی دور و نزدیک به‌خود جلب می‌کردند. اینها، نقاط مشترک قوت هر دو مزرعه به‌حساب می‌روند، دقیقاً چون نقاط مشترک آسیب‌پذیرشان که هر دو در نواحی‌ی از لحاظ اقتصادی حاشیه‌ی برای تولید لبنیات موقعیت داشتند. و به‌دلیل اینکه

پندارهای ما درباره‌ی زبان، فاصله و بینش ما درباره‌ی کشتار و حیثیت فردی. این اثر نیروی بازبینی ما را نسبت به روش‌هایی که ما آن‌ها را به‌نام مدرنیته ترک کرده‌ایم، تقویت می‌کند. بدین معنا که ما چیزهای زیادی داریم که باید از خود بیاموزیم. برای حفظ و تداوم موفقیت‌هایمان، گذشته اسناد و شواهد ارزشمندی را فراهم کرده که می‌توانیم از آن‌ها بیاموزیم.

پیشگفتار

داستان دو مزرعه

چند تابستان پیشتر از دو مزرعه‌ی تولید لبنیات، مزرعه‌های هولز و گاردِر که با وجود هزاران مایل فاصله از همدیگر، باز هم به‌گونه‌ی قابل ملاحظه‌ی در نقاط قوت و آسیب‌پذیری‌های‌شان باهم مشابه بوده‌اند، بازدید کردم. هر دو مزرعه در حوزه‌ی مربوطه‌شان از بزرگترین، مرفه‌ترین و به‌لحاظ به‌کارگیری فناوری از پیشرفته‌ترین مزرعه‌ها بوده‌اند. مخصوصاً که هر کدام از این مزرعه‌ها در حواشی خود اسطبل‌ها و انبارهای خوبی برای نگهداری و دوشیدن شیرگاوها، بنا کرده بودند. ساخت‌وساز این

معرفی

هر که ناموخت از گذشت روزگار

جارد دایموند استاد دانشگاه لاس‌انجلس است که سلسله‌ی پژوهش‌هایش را از فیزیولوژی آغاز کرد و تا زیست‌شناسی تکاملی و جغرافیای حیاتی ادامه داد؛ کسی که با مطالعات تجربی و پژوهش‌های میدانی عضویت جامعه‌ی فلسفی امریکا را نیز دارد.

از میان آثار، پژوهش‌ها و مقاله‌های بسیار جارد دایموند، چهار اثر او به‌لحاظ طرح پرسش‌های اصلی درباره‌ی سرشت و سرنوشت جوامع انسانی، تلاش برای یافتن پاسخ‌های درست و به چالش کشاندن و ویران کردن دیدگاه‌های مروج و ذهنیت‌های غالب، از اهمیت بزرگی برخوردارند. این چهار اثر که به ترتیب از چگونگی تکامل انسان، تشکل، فروپاشی یا تداوم جوامع انسانی و آینده‌ی این جوامع بحث می‌کنند، عبارت‌اند از «سومین شامپانزه: تکامل انسان»، «اسلحه، میکروب و آهن»، «فروپاشی» و «جهان تا دیروز». تمرکز من اما بیشتر روی ترجمه، گزارش و گزینش پاره‌هایی از سه کتاب آخری است که تصویر جذابی از تاریخ ۱۳ هزارساله‌ی جوامع مختلف انسانی به هدف فراگیری درس‌هایی از فروپاشی یا دوام و شگوفایی آن، دلایل و انگیزه‌های واقعی فروپاشی که کمتر کسی با این حد از ژرف‌بینی و واقع‌نگری به آن‌ها پرداخته است، به‌دست می‌دهد.

در کتاب «اسلحه، میکروب و آهن»، دایموند با استفاده از شواهد بوم‌شناسی، باستان‌شناسی، علم ژنتیک، زبان‌شناسی و مطالعات موردی مختلف تاریخی، استدلال می‌کند که شکاف در قدرت و فناوری بین جوامع مختلف بشری بازتابی از تفاوت‌های نژادی یا فرهنگی نه، بلکه ریشه در تفاوت‌ها و ویژگی‌های محیط‌زیستی دارد که در یک روند بازخورد مثبت تقویت می‌گردد. دایموند با پرداختن به ریشه‌های شکل‌گیری امپراتوری‌ها، ادیان، ادبیات، نباتات و انواع سلاح‌ها، در قاره‌های مختلف و در درازای بیشتر از ۱۳ هزارسال، شرح مستدل و قابل‌پذیرشی از تکامل متفاوت جوامع انسانی به‌دست می‌دهد. این اثر در واقع بستر نظریه‌های نژادپورانه‌ی تاریخ را ویران می‌کند و یافته‌هایش در مورد چگونگی شکل‌گیری جهان مدرن پُر است از درس‌هایی برای آینده‌ی ما. «او نشان می‌دهد که چگونه تاریخ و زیست‌شناسی برای ایجاد یک فهم عمیق‌تر از وضعیت انسانی، می‌توانند یکدیگر را غنا ببخشند» (ادوارد ویلسن).

پرسش اصلی دایموند در «فروپاشی» این است که چگونه جوامع انسانی شکست یا پیروزی‌شان را خودشان انتخاب می‌کنند. در پاسخ‌هایی که او به این پرسش ارائه می‌کند، جغرافیا و محیط زیست نقش مهمی در فروپاشی جوامع و تمدن‌های انسانی دارد. چیزی که از نظر بسیاری‌ها پنهان مانده یا با آن برخورد سطحی دارند. در واقع از نظر او پیروزی یا شکست جوامع و تمدن‌ها بستگی به واکنش این تمدن‌ها در برابر دگرگونی‌های آبی و تدریجی محیط زیست دارد. «جهان تا دیروز» نشان می‌دهد که جغرافیا تا چه حدی مهم است، اما هم‌چنان تأکید می‌کند که تاریخ و فرهنگ نیز مهم‌اند و چگونه برخی از مفاهیم بنیادی که به‌واسطه‌ی تمدن ما شکل گرفته‌اند □ فهم ما از مسئولیت‌های فردی،

■ شریف حضوری - دانشجوی دکتری دیپلماسی و خلع سلاح

سیاست در نگاه ترامپ و نوستالژی بر خور تمدن‌ها

باید اذعان نمود که آقای ترامپ با شعارهای انتخاباتی ایجاد دیوار میان آمریکا و مکزیک، مقابله با اسلام افراطی، تقابل با چین و مقابله با کشورهای دارای رژیم اسلامی، وارد کارزار انتخابات ریاست جمهوری شد و کسی فکر نمی کرد فردی با این نگاه تندروانه بتواند سکان رهبری قدرتمندترین کشور دنیا را در اختیار بگیرد. آقای ترامپ با طرح چنین شعارها و تاکید و پافشاری بر آن‌ها بعد از روی کار آمدن، دو بعد شخصیتی و بنیاد فکری خود را به نمایش گذاشت: اول، دید تجاری (بده‌وبستان) داشتن نسبت به ملل‌های دنیا و نادیده گرفتن مفاهیمی چون تقویت دموکراسی، حقوق بشر و رشد بازار آزاد که دهه‌ها سیاست خارجی آمریکا را به خود اختصاص داده بود. دوم، آقای ترامپ دید ایدئولوژیکی و برقراری ارتباط با ملل دنیا از این دریچه را، در خطرناک دانستن اسلام برای یکپارچگی دنیا و به‌ویژه تمدن یهودی-مسیحی به نمایش گذاشت. برآیند این نوع نگاه‌ها به سیاست خارجی، در قدم نخست همانا همراهی با کشورهای را به دنبال خواهد داشت که بیشترین نفع مادی را برای آمریکا داشته باشند و ثانیاً، ایجاد ائتلاف با کشورهای هم‌پیمان در مقابله با اسلام و سایر تمدن‌های غیرمسیحی و غیرغربی که ترامپ آنان را ممکن نیروهای اهریمنی بنامند را در پی خواهد داشت.



که نه تنها آمریکا بلکه همه‌ی جهان را تحت تاثیر قرار خواهد داد. اول، همان‌طور که آقای رئاس جانو عضو کمیته‌ی روابط خارجی پارلمان عراق گفته است که «این کار سبب خواهد شد عراق نیز به شهروندان آمریکا ویزا صادر نکند» تقابل میان کشورها را بیش از پیش رقم خواهد زد و اتحاد نامیمونی را میان قدرت‌های اهریمنی کشورها برای تخریب همدیگر به وجود خواهد آورد و در یک کلام سیاست تخریبی جایگزین سیاست همکاری در سطح بین‌الملل خواهد شد. دوم، مطابق گفته‌ی جواد ظریف، وزیر خارجه‌ی ایران، «این کار (منع ورود مهاجران از ۷ کشور مسلمان) به‌عنوان بهترین هدیه به تندروها در تاریخ ثبت خواهد شد»، داعیه‌ی مسلمانان افراطی مبنی بر اینکه آمریکا دشمن اسلام می‌باشد را به حقیقت مبدل خواهد کرد و به آن‌ها اجازه خواهد داد تا با دست بازتری افکار رادیکالی را در میان جوامع‌شان بسط و گسترش داده و برای دفاع از حقانیت این ادعا شروع به جلب و جذب افراد کنند. سوم، تصمیم آقای ترامپ آزاداندیشان آزادی‌خواه و نیروهای میانه‌رو را در بسیاری از کشورها به حاشیه خواهد راند و موجب خواهد شد تا افراطی‌های محافظه‌کار رئوس کار را در دست بگیرند که نمونه‌ی آن اصلاح‌طلبان ایرانی است که اینک نتیجه‌ی سال‌ها دیپلماسی و یافتن راه‌حل خود را ضرب در صفر می‌بینند. چهارم، تاثیر این تضامیم بر پدیده‌ی مهاجرت، مخرب‌تر از آن است که به نظر می‌رسد، زیرا با پیروی از آمریکا، خیلی از کشورهای دیگر نیز دنباله‌رو این سیاست خواهند شد که بدون شک جان انسان‌های زیادی را که تلاش دارند خود را از مهلکه‌ی جنگ نجات دهند به مخاطره خواهد انداخت. و در اخیر این‌که با تقسیم دنیا به تمدن‌های مختلف و اهریمنی خواندن یک تمدن و برتر دانستن دیگری، امنیت دنیا به مخاطره خواهد افتاد و نفرت و بدبینی در سراسر عالم اشاعه خواهد یافت.

دانشتن اسلام برای یکپارچگی دنیا و به‌ویژه تمدن یهودی-مسیحی به نمایش گذاشت. برآیند این نوع نگاه‌ها به سیاست خارجی، در قدم نخست همانا همراهی با کشورهای را به دنبال خواهد داشت که بیشترین نفع مادی را برای آمریکا داشته باشند و ثانیاً، ایجاد ائتلاف با کشورهای هم‌پیمان در مقابله با اسلام و سایر تمدن‌های غیرمسیحی و غیرغربی که ترامپ آنان را ممکن نیروهای اهریمنی بنامند را در پی خواهد داشت. قابل یادآوری است که گمانه‌زنی‌ها بعد از پیروزی آقای ترامپ بر سه پایه استوار بود: نخست، ترامپ بر طبل ناسیونالیسم آمریکایی (سفیدپوست‌خواه) نخواهد کوبید و با انعطاف‌پذیری‌یی که از خود نشان خواهد داد، ریاست‌جمهوری خویش را همانند همتایان پیشین‌اش به پایان خواهد برد و یا اینکه با سیاست ریاضتی به پیش خواهد رفت و رویکرد ملی‌گراییی در مقابل پدیده‌ی جهانی شدن را رهبری خواهد نمود که سرانجام آن استیضاح و برکنار شدن‌اش را در پی خواهد داشت. در نهایت با روی دست گرفتن راهبرد نرمش و کرنش، دوران ریاست‌جمهوری خود را، بدون بر جا گذاشتن میراث ارزشمند به اتمام خواهد رساند. اما از ظواهر پیداست که آقای ترامپ بر همان شعارهای انتخاباتی خود محکم ایستاده است و عملاً شعارها را کم‌کم تبدیل به پالیسی می‌کند که به‌صورت عینی منع ورود مهاجران از ۷ کشور عمدتاً مسلمان، دستور ساخت دیوار در امتداد مرز مکزیک، لغو قرارداد تجاری فرایاسفیک، صحبت با مقامات تایوان و تحریک نمودن چین و وضع تحریم‌های بیشتر بر ایران آن‌هم خلاف مواد توافق‌نامه‌ی برجام را می‌توان از مصادیق آن نام خواند. حال این‌که آقای ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا خواهد ماند و یا خیر را مردم آمریکا تعیین خواهند کرد اما آنچه که حایز اهمیت می‌باشد برآیند تضامیم اداره‌ی آقای ترامپ خواهد بود

خشونت خواند و با ترسیم مرزهای این تمدن با تمدن‌های دیگر، گسل‌های برخورد را خونین بیان کرد. ساموئل نزاع و یا احتمالاً جنگ سوم با مقیاس جهانی را برخلاف جنگ جهانی اول و دوم (ایدئولوژیکی) جنگ تمدنی خواند. با اقتباس از این نظریه، بسیاری از رخدادهای جهان، قرائت تمدنی شد تاجایی‌که حمله‌ی تروریستی به آمریکا و لشکرکشی بعدی آن کشور به قلمروهای اسلامی مانند افغانستان و عراق نیز از این دید مورد بررسی قرار گرفت. باید دید که سیاست خارجی و امنیتی رئیس‌جمهور ترامپ که بر اساسات ذیل استوار می‌باشد گویای چیست؟ مخالفت ایدئولوژیکی آمریکا (تمدن غربی یهودی-مسیحیت) با اسلام که از آن به‌عنوان «تروریسم اسلام افراطی» یاد می‌کند، نزدیکی با روسیه (حوزه‌ی تمدنی مسیحیت ارتدوکس) و مخالفت همه‌جانبه با چین (تمدن چینی کنفوسیوس) بیان‌کننده‌ی رونمایی سیاست جدیدی است که نوستالژی برخورد تمدن‌های هانتینگتون را در اذهان تداعی می‌کند. باید اذعان نمود که آقای ترامپ با شعارهای انتخاباتی ایجاد دیوار میان آمریکا و مکزیک، مقابله با اسلام افراطی، تقابل با چین و مقابله با کشورهای دارای رژیم اسلامی، وارد کارزار انتخاباتی ریاست‌جمهوری شد و کسی فکر نمی‌کرد فردی با این نگاه تندروانه بتواند سکان رهبری قدرتمندترین کشور دنیا را در اختیار بگیرد. آقای ترامپ با طرح چنین شعارها و تاکید و پافشاری بر آن‌ها بعد از روی کار آمدن، دو بعد شخصیتی و بنیاد فکری خود را به نمایش گذاشت: اول، دید تجاری (بده‌وبستان) داشتن نسبت به ملل‌های دنیا و نادیده گرفتن مفاهیمی چون تقویت دموکراسی، حقوق بشر و رشد بازار آزاد که دهه‌ها سیاست خارجی آمریکا را به خود اختصاص داده بود. دوم، آقای ترامپ دید ایدئولوژیکی و برقراری ارتباط با ملل دنیا از این دریچه را، در خطرناک

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، قانونی را زیر عنوان «منع ورود تروریست‌های خارجی به ایالات متحده جهت محافظت از ملت آمریکا» به تاریخ ۸ دلو ۱۳۹۵ به امضا رسانید. این قانون، شهروندان ۷ کشور عمدتاً مسلمان نظیر ایران، سوریه، عراق، یمن، لیبیا، سودان و سومالی را از سفر به آمریکا باز می‌دارد. وضع این قانون شهروندان این کشورها را با مشکلات گسترده‌ی مواجهه نموده و بسیاری از آنان در فرودگاه‌های کشورهای مختلف، از سفر به ایالات متحده علی‌رغم دارا بودن ویزای قانونی جهت سفر به آن کشور باز داشته شده‌اند. در همین حال بسیاری از سازمان‌ها و فعالین حقوق بشر در داخل و خارج آمریکا دست به تظاهرات زده‌اند و بر ظالمانه و نژادپرستانه بودن این قانون انگشت گذاشته‌اند. این امر تا جایی پیش رفته که حقوق‌دانان آمریکایی با تاسی از قانون تابعیت و مهاجرت آمریکا مصوب سال ۱۹۶۵ که «هرگونه تبعیض با توجه به نژاد، جنس، ملیت، محل تولد و سکونت» را نکوهش کرده، علیه اداره و شخص آقای ترامپ اقامه‌ی دعوا نموده و دادگاه‌های چند ایالت را مجبور کرده است، هرچند به‌طور موقت از حکم ریاست‌جمهوری ظفره برونند. باید دید برخورد این‌گونه و پیگیری اقدامات این‌چنینی برگشت به گفتمان تبعیض بر بنیاد تمدن نیست و بر طبل دشمنی میان تمدن‌ها و ملل دنیا نخواهد کوبید؟ زمانی که جهان دوقطبی به پایان رسید و فردگرایی ایالات متحده به ظهور خود نزدیک می‌شد، فرانسیس فوکویاما از پایان تاریخ سخن راند و با حتمی خواندن پایان جنگ ایدئولوژی، لیبرالیسم را پیروز تاریخ خواند. در اواسط دهه‌ی نود میلادی، ساموئل هانتینگتون تز دیگری را مطرح نمود و از «برخورد تمدن‌ها» حرف زد. او با تقسیم‌بندی دنیا به حوزه‌های تمدنی خاص، از هفت و احتمالاً هشت تمدن نام برد. هانتینگتون، تمدن اسلامی را دارای پتانسیل

پهلنگ

سخن سخیادهاتفا

دشنه‌های سایه‌نشین

زمستان بود. آسمان به قول مردم محل یکی-دو روز مهلت داده بود و برف نمی‌بارید. ما طبق معمول روزهای آفتابی پیش‌خانه‌ی بزرگ محله جمع شده بودیم. آن وقت تلویزیون نبود. مردم خبرها را یا از رادیو بی‌بی‌سی می‌شنیدند یا از رادیو صدای امریکا. یکی از قول بی‌بی‌سی گفت که در کابل جنگ سختی شده و در منطقه‌ی افشار تعداد زیادی از مردم کشته شده‌اند، خانه‌ها غارت شده‌اند و بر زنان و دختران تجاوز شده... راوی که این قسمت تجاوز بر زنان و دختران را نقل کرد، یکی از مردان جوان دهکده (که به بدماشی و خون‌گرمی مشهور بود) لبخندی زد و گفت:

«والله نوش جان‌شان، زن‌های افشار خوب مقبول هم هستند».

آن جوان از همان دهکده بود و هیچ دلیل یا علت سیاسی‌یی در کار نبود که چنان سخن ناروایی بر زبان براند. من و دو سه نفر دیگر تکان خوردیم و اعتراض کردیم. اما آن وقت ما بسیار جوان بودیم و کسی به اعتراض ما وقعی نمی‌نهاد.

از آن زمان، من همیشه من به آن سخن اهانت‌بار و زشت فکر می‌کنم. به نظر، در آن جمله‌یی که او گفت سررشته‌های زیادی برای فهم بحران‌های اجتماعی ما هست. آن مرد از نظر دسته‌بندی‌های سیاسی، قومی و اجتماعی در جبهه‌ی مخالف فاتحان افشار قرار داشت و باید با قربانیان فاجعه بیشتر احساس همدلی می‌کرد. اما همان شخص از نظر روانی و فرهنگی در جبهه‌ی متجاوزان بود. حتا عصبیت‌های شدید قومی و مذهبی هم نتوانسته بود بر فانتزی تجاوز بر زنان در ذهن و روان او غلبه کند.

معنای این وضعیت حتا امروز هم این است که فاجعه‌ی افشار را نباید تنها در چارچوب تعاملات سیاسی-حزبی یا نفرت قومی و مذهبی تحلیل کرد. آنچه افشار را ویران کرد و آن‌همه تصویر دلخراش از وحشت و بربریت برجا گذاشت، ریشه‌های بزرگ‌تر و گسترده‌تر داشت. گسترده تا عمق روان قربانی. فقط کافی بود جای غالب و مغلوب عوض شود. برای تکرار نشدن آن فاجعه باید به چیزی فراتر از ترمیم مناسبات حزبی-سیاسی یا قومی اندیشید.

اشتباهاتی که ترامپ نباید در افغانستان تکرار کند

حکومت ترامپ باید فرض‌های کلیدی در مورد رویکرد واشنگتن در قبال افغانستان را اصلاح کند

الجزیره/داوود مرادیان ■ ترجمه: حمید مهدوی

پاکستان و یک تعداد از جاه‌طلبی‌های شخصی و قومی افغان‌ها - امریکایی‌ها اجازه داد تا طرز فکر واشنگتن را دستکاری کنند و سیاست‌ها و استراتژی‌های ایالات متحده در افغانستان را شکل بدهند. این دستکاری‌های فکری و سوءتفاهم‌ها به سه خطای سیاسی و نهادی عمده منجر شد. یکی از آن‌ها تحمیل یکی از متمرکزترین نظام‌های سیاسی جهان بر یکی از متنوع‌ترین جوامع جهان است. به‌دنبال آن، سیاست حمایتی نهادینه شد و نمایندگان خودخوانده یکی از گروه‌های قومی به قیمت تحکیم سیاست دموکراتیک به سلطه‌ی سیاسی دست یافتند. روابط مبهم واشنگتن با طالبان اشتباه سوم بود. با وجود اقدامات نامتناقض طالبان و لفاظی‌هایی که تایید می‌کردند آن‌ها بخش جدایی‌ناپذیری از جنبش‌های بنیادگرای اسلامی هستند، دیپلمات‌های ایالات متحده و حکومت اوپاما با طالبان به‌عنوان یک گروه گمراه روستایی و بومی پشتون رفتار کردند.

راه به جلو

برخلاف سوریه که به سرزمین بدون گزینه تبدیل شده است، ساختار سیاسی پس از طالبان در افغانستان هنوز از حمایت داخلی، منطقه‌یی و بین‌المللی گسترده، از جمله حمایت هردو حزب در ایالات متحده، برخوردار است. حکومت جدید در ایالات متحده باید بنیان اصلی این معماری را تقویت کند: سیاست دموکراتیک و فراگیر، اجماع منطقه‌یی و حمایت بین‌المللی درازمدت، از جمله تعهد ایالات متحده با موافقت‌نامه‌ی دو جانبه‌ی امنیتی افغانستان - ایالات متحده. این، باید با پرداختن به فرض‌های اشتباه حکومت‌های قبلی، مواجهه با اخلاص‌گران در افغانستان و منطقه و حل ناکارایی‌ها در واشنگتن و در درون ائتلاف، تقویت شود. سیاست افغانستان اوپاما بر مفکوره‌ی «صلح از طریق مماشات» استوار بود. اما صرف می‌توان با «صلح از طریق توانایی» جنگ افغانستان را بُرد که تنها می‌توان از طریق یک نظم سیاسی دموکراتیک و مستقر کارا در کابل به آن دست یافت.

افغانستان جایی است که در آن بنیادگرایی اسلامی توسط غرب، عربستان سعودی، پاکستان و حتا چین مانوئیسست در رقابت ایدیولوژیک و جیواستراتژیک‌شان با اتحاد جماهیر شوروی زاده شد و پرورش یافت. هرچند ایالات متحده موفق شد رقیب کلان کمونیست‌اش را در دهه‌ی ۱۹۸۰ در افغانستان شکست بدهد، این کشور در شکست دادن گروه‌های تروریستی به‌عنوان دشمن جهانی جدیدش تقلا کرده است. پیروزی این کشور در افغانستان بر تقلا‌ی جهانی علیه این تهدید، هم به‌لحاظ نمادین و هم به‌لحاظ استراتژیک، تأثیر خواهد گذاشت.

و روشن نساخته‌اند. این سردرگمی با درک ساده‌لوحانه و قسمی علل ریشه‌ی فساد در افغانستان توسط واشنگتن و انکار واشنگتن از نقش نهادهای غربی در آن، بیشتر شده است. ائتلاف، بی‌کفایتی، فساد، دورویی و عدم پاسخگویی در داخل نهادهای غربی در واقع به اندازه‌ی قابل توجهی کمتر گزارش شده است. گزارش تازه در مورد ائتلاف عظیم ۱۲۵ میلیارد دلاری در پنتاگون یا معلوماتی که در مورد پرداخت ماهانه ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ دلار توسط تیم انتخاباتی اشرف غنی برای تحت تأثیر قرار دادن دید واشنگتن نسبت به تقلاب در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۴ بیرون درز کرده است، نشان می‌دهند که فساد منحصر به یک گناه شرقی نیست.

افغانستان جایی است که در آن انتقاد ترامپ از ناتو و عملکرد اروپا به‌جاست. ایالات متحده در افغانستان دو نوع شریک اروپایی و ناتو دارد: شریکان بی‌میل و شریکان مشکوک. اولی تعدادی از متحدان اروپایی هستند که با توجه به محدودیت نقش جنگی‌شان به‌معنای واقعی کلمه پس از زمان چای نخواهند جنگید؛ دومی آن‌هایی هستند که با مشروعیت دادن به طالبان در پوشش گفت‌وگوهای صلح و محافظت از سیاست زیان‌آور پاکستان در افغانستان، به‌صورت نظام‌مند اهداف ایالات متحده را تضعیف می‌کنند. به‌قول دونالد رامسفلد، وزیر دفاع پیشین ایالات متحده، دیگر این ماموریت ائتلاف را در افغانستان مصمم نمی‌سازد؛ در عوض، بسیاری از اعضای ائتلاف ماموریت را مصمم می‌سازد، چیزی که به عدم انسجام و تناقضات منجر شده است. سیاست منطقه‌یی و انتخاب شریکان منطقه‌یی جای دیگری است که در واشنگتن در آن اشتباه کلانی را مرتکب شد. سیاست‌های ایالات متحده عمدتاً پاکستان-محور اند.

نقش دوگانه‌ی پاکستان توسط نهادهای استخباراتی و دیپلماتیکی ایالات متحده در منطقه به‌زودی در سال ۲۰۰۳ تشخیص داده شد، اما واشنگتن تصمیم به چشم‌پوشی از این هشدارها گرفت. با وجود شواهد فزاینده در مورد حمایت نظام‌مند پاکستان از گروه‌های مختلف تروریستی و تکثیر تسلیحات هسته‌یی آن، پاکستان در سال ۲۰۰۴ به‌عنوان متحد کلان خارج از ناتوی ایالات متحده شناخته شد و از سال ۲۰۰۲ تاکنون بیش از ۳۰ میلیارد دلار کمک نظامی و اقتصادی دریافت کرده است. از سوی دیگر، هند، متحد طبیعی ایالات متحده در منطقه، همواره از ایفای یک نقش فعال در تامین ثبات در افغانستان دلسرد شده است.

فرض‌های غلط واشنگتن در مورد افغانستان و شریکان غیرقابل اعتماد افغان آن با دیگر بدقبالی ترکیب شدند. واشنگتن به تفکر استعماری بریتانیا، دستورکار هژمونیک

کابل در استقبال از ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ به مسکو، تل آویو و چند پایتخت محدود دیگر پیوسته است. هرچند ترامپ هنوز سیاست‌اش در قبال افغانستان را به تفصیل شرح نداده است، انتقادات تند و بی‌پرده‌ی او از مشکلات واشنگتن، متحدان فرصت‌طلب و دوروی ایالات متحده و ناکامی ایالات متحده در پیروزی در جنگ‌ها، بسیاری از افغان‌ها را امیدوار می‌سازد.

ترامپ پنجمین رئیس‌جمهور امریکاست که با افغانستان به‌عنوان یک مسأله‌ی مرکزی سیاست خارجی و نگرانی امنیت ملی سروکار دارد. افغانستان برای چهار رئیس‌جمهور پیش از او - جیمی کارتر، رونالد ریگان، جورج بوش و باراک اوپاما - یک بحران گریزناپذیر و یک چالش میراثی بود.

تهاجم شوروی به افغانستان و حملات تروریستی یازدهم سپتامبر، این کشور را برای نزدیک به چهار دهه به یکی از اولویت‌های سیاست خارجی واشنگتن تبدیل کرد. ترامپ اکنون یک جنگ ۱۶ ساله با دخالت مستقیم نظامی ایالات متحده و یک باتلاق سیاسی در درون رژیم‌یی که این کشور در نصب آن کمک کرد، را به ارث برده است.

کابل با یک فرایند سیاسی متوقف‌شده، فساد شایع، یک گروه تروریستی انعطاف‌پذیر و وسواس لجوج و سرسخت پاکستان به تبدیل کردن افغانستان به عمیق استراتژیک‌اش فلج شده است. ترامپ، در نخستین روز ریاست‌جمهوری‌اش سربازان امریکایی مستقر در افغانستان را تشویق کرد و گفت: «به جنگ ادامه بدهند. ما پیروز خواهیم شد. ما پیروز خواهیم شد». ترامپ، به‌عنوان تاجری با اعتمادبه‌نفس بیش از حد و داشتن مهارت سازماندهی، برای برنده شدن در افغانستان، جایی که اوپاما ناکام ماند، باید بداند که نمی‌تواند به‌طور معمول عمل کند.

اشتباهات گذشته

در هفته‌های آینده، ترامپ و تیم امنیت ملی او ارزیابی‌ها و پیشنهادات زیادی در مورد ادامه‌ی راه در افغانستان خواهند داشت و به آن‌ها گوش خواهند سپرد. حکومت جدید ایالات متحده باید با ارزیابی انتقادی فرض‌ها، رویکردها و شریکان [اش] در افغانستان در یک چارچوب کلان منطقه‌یی و جهانی کار را آغاز کند. یک فرض غالب در واشنگتن، درک اولویت نابه‌جای ایالات متحده در ترویج «ملت‌سازی» در افغانستان است که با فساد شایع در افغانستان ترکیب شده است.

اوپاما و ترامپ، هردو، دخالت ایالات متحده در «ملت‌سازی» در افغانستان را انتقاد کرده‌اند و وعده داده‌اند به آن پایان بدهند. با این‌حال، هیچ‌یک از آن‌ها درک‌شان از «ملت‌سازی» را تعریف نکرده

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزل‌تان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۳۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۵۰۰۰ افغانی

یک ساله

برای متعلمین و محصلین

۲۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۴۰۰۰ افغانی

یک ساله

zaki.daryabi2@gmail.com

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی

معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا

سردبیر: خلیل پژواک

دبیر خبر: عصمت الله سروش

گزارشگر: الیاس نواندیش

ویراستار: عمران راتب

صفحه آرا: هادی دریابی

hussainjoya2014@gmail.com

بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا

شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰

مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۲۲

چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می گردد.



بگو مگو [facebook](#)

Malek Sitez



آیا کشتی سپیدار با ناخدایی ارگ به مقصد می‌رسد؟

اگر لحظه‌یی تصور کنیم که ریاست اجرایی، مدیریت برنامه‌های اقتصاد ملی و هم‌آهنگی کابینه را در دولت افغانستان عهده‌مند است پس چرا ساختارهای امور اقتصادی، تجارت، تدارکات، بانک‌داری، برنامه‌ریزی استراتژی‌های توسعه و انکشاف، حکومت‌داری ولایات در تحت ریاست، رهبری و نظارت مستقیم رییس جمهور کار می‌کنند. نظام‌هایی که دارای سمّت‌های رییس جمهور و رییس شورای وزرا هستند، رییس جمهور، سیاست خارجی و امنیت ملی را هم‌آهنگ می‌سازد در حالی‌که رییس شورای وزرا برنامه‌های اقتصاد ملی را در ساختار های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظام سازگاری و مدیریت می‌کند. من تا حال خُرد شکل‌گیری ریاست اجرایی را نتوانسته‌ام درک کنم. آیا من درست می‌فهمم که قرار بر این بود تا دکتر عبدالله مدیریت کابینه را برای توسعه اقتصاد ملی به‌عهده گیرد. به باور من و زیادی از پژوهش‌گران علوم سیاسی، نسخه جان کری ایجاد ساختار مؤقت برای هر دو سمّت، تا شکل‌گیری لویه‌جرگه و تغییر احتمالی در قانون اساسی و ساختار نظام سیاسی بود. اما اندیشه تغییر قانون اساسی و ساختار نظام سیاسی به نظام صدارتی، روز به‌روز از واقعیت سیاسی افغانستان فاصله می‌گیرد. در واقع ریاست اجرایی یک سمّت نمایین برای حضور دکتر عبدالله و گروهی از طرف‌دارانش در قدرت مبدل شده است. پذیرش این واقعیت توسط دکتر عبدالله، وی و طرف‌دارانش را در حاشیه قدرت کشانیده و بر نقش و جای‌گاه آن‌ها در تعاملات سیاسی به‌شدت تاثیر ناگوار گذاشته است. من دو سال پیش، در نخستین روزهای شکل‌گیری دولت وحدت ملی نوشتیم: «برای دکتر عبدالله به‌مراتب آبرومندانه خواهد بود تا اپوزسیون مشروع و جاگزین سازنده را مدیریت کند نسبت به اداره شکننده و بدون پشت‌وانه حقوقی به‌نام ریاست اجرایی.» تا هنوز از این گفته‌ام پشیمان نیستم. انتخابات اخیر نشان داد که دکتر عبدالله و طرف‌دارانش از آرای بلندی بهره‌مند بودند. حالا، دو سال پس از آن‌روز، دکتر عبدالله باید بر محبوبیت از دست‌رفته خود کار کند. محبوبیتی که قربانی برنامه‌های حساب‌شده رییس جمهور شد. دوم این‌که گروهی کلانی از حامیان دکتر عبدالله از هم‌راهی‌اش کنار رفته است. انسجام دوباره این گروه، کاری بسا دشوار برای دکتر عبدالله به‌حساب می‌آید. دکتر عبدالله کلان‌ترین حامیان خود به‌سان عطا محمد نور را از دست داده است. رییس جمهور تلاش خواهد کرد تا به تعویق انداختن لویه‌جرگه، از میان بهترین هم‌سنگران دکتر عبدالله سربازگیری کند. رییس جمهور که قدرت انحصاری را در ارگ به‌دست دارد و کادرهای نزدیکش را به‌گونه استراتژیک در سمّت‌های مهم جابه‌جا می‌کند، به شیوه انحصاری، نسخه جان کری را به نفع ارگ مدیریت و رهبری می‌کند. دکتر اشرف غنی تلاش خواهد کرد تا با نزدیک‌شدن با رییس جمهور ترامپ یک گام دیگر دکتر عبدالله را به حاشیه کشاند. به‌نظر می‌رسد که عبدالله تا هنوز با ترامپ رابطه ایجاد نکرده است. حالا عبدالله و طرف‌دارانش به‌حدی در حاشیه رفته‌اند که حتا با حضور انفعالی خود در قدرت و پیمان سیاسی با اشرف غنی، اجتماعات شکل می‌دهند و آنرا بزرگ‌ترین دست‌آورد می‌شمارند. اخیرا امرالله صالح یکی از حامیان نزدیک رییس اجرایی گفته است که اگر عبدالله در دو سال گذشته هیچ دست‌آوردی نداشته، حضور طرف‌دارانش در پیمان بادولت وحدت ملی یک دست‌آورد شمرده می‌شود. به باور من این حضور یک دست‌آورد نه، بل ناتوانی مدیریتی طرف‌داران دکتر عبدالله را به مثابه یک طرف مهم دولت وحدت ملی، به وضاحت آشکار می‌سازد. حالا مجاهدین خود را چند پارچه می‌بینند. گروهی با احمد ضیا مسعود و گروهی با عطا نور پیوسته‌اند. هر دو گروه دل‌بسته‌گی و مشارکت سیاسی با اشرف غنی دارند. پیوستن حکمت‌یار با اشرف غنی، دزد دیگری را میان مجاهدین ایجاد کرده است. در حقیقت مجاهدین را نمی‌توان به عنوان قدرتی با هم‌پیوسته، با پس‌منظر مشترک استراتژیک در قدرت سیاسی شناسایی کرد. از سوی دیگر شناسنامه الکترونیکی به پیش شرط مهم و «هویتی سیاسی» طرف‌داران عبدالله تبدیل شده است. چه، به باور آن‌ها، نبود این میکانیزم سبب جعل‌کاری در انتخابات و پیروزی اشرف غنی شده است. اما حالا چنین می‌نماید که توزیع تذکره الکترونیکی از دستور کار رییس جمهور و طرف‌دارانش برون شده است. اگر چنین روندی با زیره‌کی حامیان ارگ ادامه پیدا کند، تا دو سال دیگر ارگ به پیلوت اصلی هوایم‌های حکومت وحدت ملی مبدل خواهد شد و مدیران سپیدار به مسافرین بی‌سرنوشت خواهند ماند که خله‌بانان ارگ آن‌ها را به سر منزل مقصود خویش خواهد رساند. بدین ترتیب، جای‌گاه ریاست اجرایی که پشت‌وانه حقوقی ندارد و با تکیه بر یک سند سیاسی عمل می‌کند از این بیش به حاشیه خواهد رفت. یک چیز را نباید فراموش کرد که جان کری و دکترین اوپاما از قدرت سیاسی کنار رفته اند و نسخه جان کری نیز می‌تواند فرسوده شده و یا عوض گردد. چیزی‌که از رییس جمهوری به‌سان دونالد ترامپ به دور از احتمال نیست. اگر چنین کاری از سوی اداره ترامپ عملی شود، جای‌گاهی برای ریاست اجرایی باقی نخواهد ماند.

یک زن مکزیکی که از ۱۴ سالگی به صورت غیرقانونی در امریکا زندگی می‌کرد، به کشورش بازگردانده شده است. شوهر و دو بچه او در امریکا مانده‌اند. در جریان اعتراضاتی برای جلوگیری از حرکت خودرویی که قصد داشت او را از اداره مهاجرت در شهر فینکس در ایالت آریزونا خارج کند، ۷ نفر دستگیر شدند. گوادلوپ گارسیا دی‌رایوس ۳۶ ساله دو بچه دارد که هر دوی آن‌ها در امریکا متولد شده‌اند. دونالد ترامپ، رئیس جمهوری امریکا در جریان

مبارزات انتخاباتی‌اش وعده داده بود که با مهاجران غیرقانونی ساکن کشور که دارای سابقه کیفری هستند، مقابله می‌کند. خانم گارسیا با مدارک جعلی در امریکا به کار مشغول بود. او در سال ۲۰۰۹ مجرم شناخته شد. گوادلوپ گارسیا دی‌رایوس در سال ۲۰۱۳ دستگیر شد و براساس حکم صادره از او خواسته شد تا امریکا را ترک کند. اما بعدا براساس سیاست باراک اوباما، رئیس جمهور وقت، در مورد مهاجران فاقد مدارک

یک زن مکزیکی پس از ۲۲ سال اقامت غیرقانونی در امریکا به کشورش بازگردانده شد

که در دوران کودکی وارد امریکا شده بودند، او توانست در این کشور بماند. خانم گارسیا از چهارشنبه گذشته زمانی که برای چک سالیانه به اداره مهاجرت رفته بود، بازداشت شد. گوادلوپ گارسیا چند روز پس از آن که دونالد ترامپ فرمان اجرایی در مورد جلوگیری از ورود مهاجران غیرقانونی به امریکا را امضا کرد، بازداشت شد. (بی‌بی‌سی فارسی)

تلف شدن صدها نهنگ سرگردان در سواحل نیوزیلند

اما این مسأله گاهی به این دلیل که نهنگ‌ها پیر، مریض و زخمی هستند و یا در جهت یابی اشتباه می‌کنند، اتفاق می‌افتد. گاهی هم ممکن است نهنگ‌ها که به ساحل آمده، با فرستادن سیگنال اضطراری بقیه نهنگ‌ها را به سمت خود جلب کند. (بی‌بی‌سی فارسی)

حدود ۳۰۰ نهنگ سرگردان در یکی از سواحل نیوزیلند تلف شدند. گفته شده این بدترین اتفاق از این نوع در نیوزیلند است. این گروه از نهنگ‌ها در فیرویل اسپیت، ساحلی دورافتاده در دماغه جزیره جنوبی نیوزیلند پیدا شده‌اند. صدها نفر از داوطلبان محلی و کارکنان حفظ

حدود ۳۰۰ نهنگ سرگردان در یکی از سواحل نیوزیلند تلف شدند. گفته شده این بدترین اتفاق از این نوع در نیوزیلند است. این گروه از نهنگ‌ها در فیرویل اسپیت، ساحلی دورافتاده در دماغه جزیره جنوبی نیوزیلند پیدا شده‌اند. صدها نفر از داوطلبان محلی و کارکنان حفظ

ترامپ سیاست «چین واحد» را پذیرفت

امریکا در سیاست «چین واحد» انتقاد کرده بود. دونالد ترامپ در ماه ژانویه (دی) گفته بود که تعهد امریکا به سیاست «چین واحد» در قبال تایوان باید بررسی شود زیرا او تعهد کامل به این سیاست ندارد. او در گفت‌وگو با روزنامه «وال استریت ژورنال» تأکید کرده بود که سیاست «چین واحد» باید دوباره بررسی شود. ترامپ در دسامبر سال ۲۰۱۶ نیز اعلام کرده بود که به سیاست «چین واحد» در رابطه امریکا با تایوان پایبند نخواهد بود. (راديو زمانه)

«بسیار گرم» بود و دو طرف یکدیگر را به دیدار در کشورهای خود دعوت کردند. تلویزیون دولتی چین نیز گفته که رئیس جمهوری این کشور از سخنان ترامپ استقبال کرده است. شی جین‌پینگ گفته است سیاست «چین واحد»، «اساس روابط را تشکیل می‌دهد». بر اساس سیاست «چین واحد» مورد قبول پکن هیچ کشوری اجازه ندارد روابط دیپلماتیک و رسمی با تایوان داشته باشد که چین آن را از پایان جنگ داخلی ۱۹۴۹ بخش جداشده از خود می‌داند. پیش از این چین از دخالت رئیس جمهوری

دونالد ترامپ، رئیس جمهوری امریکا در یک گفت‌وگوی تلفنی با همتای چینی خود شی جین‌پینگ، سیاست «چین واحد» پکن را پذیرفت. آن‌ها خواهان دیدار یکدیگر شدند. دونالد ترامپ به‌رغم اظهارات قبلی خود در مورد مسأله تایوان طرف چین را گرفت. کاخ سفید، جمعه ۱۰ فوریه / ۲۲ بهمن اطلاع داد که ترامپ در یک مکالمه تلفنی با رئیس جمهوری چین گفته است به اصل سیاست «چین واحد» که بر اساس آن تایوان به‌عنوان استانی متعلق به چین در نظر گرفته شده، احترام قائل است. به‌گفته کاخ سفید مکالمه ترامپ و شی جین‌پینگ

روحانی: تازه‌کاران در برابر ایران با احترام و تکریم سخن بگویند

ما در محیطی در بسته بمانیم قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد.» در چند دهه اخیر جمهوری اسلامی به ویژه از سوی همسایگان جنوبی‌اش در منطقه خلیج فارس، متهم است که به دنبال صدور انقلاب اسلامی به کشورهای دیگر و دخالت در امور داخلی آن‌هاست، و آن‌ها بارها ایران ترغیب کرده‌اند که در رویکرد خود تجدید نظر کند. در تازه‌ترین مورد نور قرقاش، وزیر مشاور دولت امارات در امور خارجی، از جمهوری اسلامی خواسته بود که «رویکرد خود را تغییر دهد و برای صدور انقلاب و مداخله در امور کشورهای عرب منطقه تلاش نکند». انتقاداتی که از سوی بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، «بی‌اساس و نابجا» توصیف شد. جمهوری اسلامی ایران از سال‌های اولیه انقلاب با شعارهایی چون «صدور انقلاب» از برخی گروه‌های مسلح در خاورمیانه حمایت می‌کند که مشهورترین آن‌ها، گروه حزب‌الله لبنان و در سال‌های اخیر، حوثی‌ها در یمن است. در سال‌های اخیر فعالیت نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای منطقه از جمله سوریه، عراق و یمن افزایش یافته است. در همین حال منصوبان رهبر جمهوری اسلامی از جمله فرمانده کل سپاه پاسداران در سال‌های گذشته بارها از «صدور انقلاب اسلامی» سخن گفته‌اند. محمدعلی جعفری روز شنبه چهارم دی «صدور انقلاب اسلامی» و «بیداری اسلامی در منطقه و جهان» را از جمله دیگر «دستاوردهای انقلاب اسلامی» دانسته بود. او روز ۱۴ اردیبهشت ۹۴ با ذکر این که «در حال حرکت به سوی یک تمدن بزرگ اسلامی هستیم»، وضعیت صدور انقلاب اسلامی در خارج از ایران را «بسیار مطلوب» دانسته و گفته بود که انقلاب «احتجاج به پیشرفت سریع‌تر» در داخل ایران دارد. (راديو فردا)

آقای ترامپ در این زمینه به دفعات به ایران هشدار داده است که «با آتش بازی نکنند». رئیس‌جمهور امریکا روز ۱۷ بهمن در مصاحبه با شبکه خبری «فاکس»، ضمن انتقاد مجدد از توافق اتمی با تهران، گفته بود که حکومت ایران از آن زمان به بعد «گستاخ‌تر» شده و به ایالات متحده «کاملاً بی‌احترامی» می‌کند. مشاور امنیت ملی آقای ترامپ نیز هفته پیش در بیانیه‌ای تأکید کرده بود که دولت امریکا دیگر اقدامات تحریک‌آمیز ایران را که تهدیدی برای منافع امریکا هستند، تحمل نخواهد کرد، و «روزهای چشم‌پوشی بر اقدامات خصمانه و تهاجمی ایران در قبال امریکا و جامعه بین‌المللی به پایان رسیده است». «ایران به دنبال دخالت در امور دیگران نیست» رئیس‌جمهور ایران شامگاه پنجشنبه ۲۱ بهمن، نیز در دیدار با سفرای کشورهای خارجی در تهران گفت که جمهوری اسلامی «قصد مداخله در امور داخلی سایر کشورها را ندارد» و قدرت نظامی ایران «صرفاً برای دفاع از کشور است». او تأکید کرد که «ایران‌هراسی هیچ پایه و اساسی نداشته و تاریخ اثبات کرد که این توهمات کاملاً بی‌اساس است». به گفته آقای روحانی، یکی از موضوعاتی که با هدف «ایران‌هراسی» در منطقه و جهان تبلیغ شده، این بوده که «ایرانی‌ها قصد دارند، انقلاب خود را به سایر کشورها صادر کنند تا رژیم‌های مستقر در کشورهای منطقه را متزلزل کنند». او اضافه کرد: «با گذشت زمان مشخص شد که این موضوع دروغ است و ایران قصد مداخله در امور داخلی دیگران را ندارد». سخنان حسن روحانی در حالی بیان می‌شود که آیت الله خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی و برخی از مقامات ایران به شدت در مورد صدور انقلاب اسلامی تأکید کردند. آیت الله خمینی در این مورد گفته بود «ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم و تفکر اینکه ما انقلاب مان را صادر نمی‌کنیم کنار بگذاریم... اگر

حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران در سخنرانی اختتامیه راهپیمایی روز ۲۲ بهمن گفت که در منطقه و امریکا «تازه‌کاران» قدرت را در دست گرفته‌اند، اما باید بدانند که «در برابر ملت ایران باید با احترام و تکریم سخن بگویند». حسن روحانی در سالگرد پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ همچنین اعلام کرد که «با پیروی از مقام معظم رهبری در پی اجماع، آشتی و انسجام ملی هستیم». شهرهای مختلف ایران روز جمعه شاهد برگزاری راهپیمایی دولتی ۲۲ بهمن بود و در تهران هم همچون هر سال رئیس‌جمهور ایران سخنران این مراسم بود. او اضافه کرد: «کسی که ملت و نیروهای مسلح ما را تهدید می‌کند، بدانند ملت ما یکپارچه و آگاه است و در برابر بدخواهان ایستادگی خواهد کرد». رئیس‌جمهور ایران پیش از سخنرانی خود نیز در مصاحبه کوتاهی با خبرنگاران، راهپیمایی ۲۲ بهمن را به گفته او «نمایش اقتدار ملی» و «پاسخ حرف‌های نادرست سردمداران جدید کاخ سفید» دانست. به گزارش خبرگزاری ایسنا، او اضافه کرد: «مردم با حضور خود به جهان به دنیا اعلام می‌کنند که باید به ملت ایران با زبان احترام و تکریم سخن بگویند و زبان قلدری و تهدید را به کار نبرند». آقای روحانی تأکید کرد: «ملت ایران در طول ۳۸ سال گذشته نشان دادند که هر کس با زبان تهدید با این ملت سخن بگوید، ملت ایران او را پشیمان خواهد کرد». آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، نیز روز سه شنبه ۱۹ بهمن، گفته بود که مردم ایران روز ۲۲ بهمن «پاسخ تهدیدهای رئیس‌جمهور امریکا را خواهند داد». از زمان به قدرت رسیدن دونالد ترامپ در امریکا، به ویژه پس از آنکه ایران روز دهم بهمن دست به آزمایش موشکی بالستیک زد، جنگ لفظی میان دو طرف تشدید شده است.

راه حل دی ماریا برای چگونگی مهار مسی

پاری سن ژرمن هفته آینده میزبان بارسلونا در بازی رفت یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان است.
پاری سن ژرمن امیدوار است با مربی جدید خود «امری» و با بازیکنان بزرگی چون دی ماریا، کاونانی و وراتی بتواند طلسم را شکسته و بتواند بارسلونا را از دور رقابت‌ها حذف کند. پارسی‌ها در چند سال اخیر دو بار توسط بارسا از گردونه رقابت‌ها کنار رفته‌اند.

دی ماریا در مورد کیفیت پاری سن ژرمن گفت: «معتقدم به راحتی می‌توانیم با رئال و بارسا رقابت کنیم. ما بازیکنان بزرگی مثل وراتی داریم که وقتی نیست، نبودش در تیم حس می‌شود یا کاونانی که پس از زلاتان توانسته اوج بگیرد. جدایی زلاتان در ابتدا تأثیرگذار بود اما حالا توانسته‌ایم خودمان را با شرایط جدید وفق دهیم.

سال گذشته برابر رئال دو بازی پایاپای انجام دادیم ولی تنها یک امتیاز گرفتیم. در بازی برگشت کاملاً برتر بودیم اما تیم‌هایی مثل رئال، در روزهایی که به نظر هیچ کاری انجام نمی‌دهند نیز می‌توانند شما را مغلوب کنند. واضح است که در رختکن در مورد بارسلونا حرف می‌زنیم؛ ولی شرایط دو تیم نسبت به

پیشنهاد جالب برای ورزشگاه فینال کوپا دل ری

در آخرین دیداری که در ویسته کالدرون برگزار می‌شود، تیم محبوب‌شان یک طرف ماجرا نباشد.

کادنا سر دیروز ادعا کرد که مدیران اتلتیکو به فدراسیون فوتبال اسپانیا پیشنهاد داده‌اند تا ورزشگاه تازه تاسیس شان یعنی واندا متروپولیتانو، میزبان همیشگی فینال کوپا دل ری باشد و فینال پیش رو نیز در همین ورزشگاه برگزار شود.
مشابه آنچه در انگلیس اتفاق می‌افتد و ورزشگاه ومبلی، میزبان همیشگی فینال جام حذفی جزیره است. باید دید در نهایت با این پیشنهاد موافقت خواهد شد یا خیر.

ناینگولان: از یوونتوس متنفرم

آن دسته افرادی هستم که همیشه دشمن یووه بوده‌ام. همیشه از یووه متنفر بوده‌ام. در کالیاری تمام تلاشم را می‌کردم که یووه را شکست دهیم. در زمان حضورم در کالیاری، همیشه در ورزشگاه یوونتوس آرنا با آن‌ها مساوی می‌کردیم. آن‌ها مقابل ما قهرمان اسکودتو شدند. من از آن‌ها متنفرم زیرا همیشه با پالتی یا ضربه ایستگاهی پیروز می‌شوند. به رم آمدم تا مقابل یووه جامی کسب کنیم. اگر اسکودتو را نریم در کویا ایتالیا قهرمان خواهیم شد. مقابل لاتزیو در هر دو بازی پیروز خواهیم شد. به من اعتماد کنید.»



اطلاع‌رسانی

شنبه | ۲۳ دلو، ۱۳۹۵

سال ششم | شماره ۱۲۴۳

آنچلوتی: کار رئال مقابل ناپولی سخت‌است

رئال مادرید این هفته در برنابو میزبان ناپولی در یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان است. خیلی‌ها رئال را از حالا در یک چهارم نهایی می‌بینند؛ ولی نگاهی به کیفیت بازی‌های ناپولی در سری A و بازی‌های هجومی این تیم نشان می‌دهد که کهنشانی‌ها نباید این بازی را ساده بگیرند.

آنچلوتی، مربی ایتالیایی سابق رئال و فعلی بایرن مونیخ، در مورد این بازی به کوری‌ره دلو اسپورت گفت: «باید بگویم که بازی مقابل رئال، همواره و برای هر تیمی سخت است؛ اما همچنین باید گفت که مقابله با ناپولی فعلی هم ساده نخواهد بود. اطمینان دارم که کار رئال برای حذف ناپولی سخت خواهد بود.

ناپولی بسیار خوب بازی می‌کند و من مدت‌هاست که بازی‌های این تیم را تعقیب می‌کنم. البته سبک بازی ناپولی نیست که مرا شگفت‌زده کرده؛ بلکه ادامه روند بازی‌های هجومی این تیم حتی در غیاب مهاجمی چون میلیک بود که مرا به تعجب وا داشت. آنها ۷-۱ بولونیا را در زمینش شکست دادند. باور کنید زدن ۷ گول در زمین حریف، فقط می‌تواند از عهده یک تیم باکیفیت و بزرگ بر بیاید.»

زیدان: دوست نداریم بارسا در برنابو جام بگیرد

زیدان در نشست خبری دیروز خود به احتمال میزبانی برنابو از فینال کوپا دل ری بین بارسا و آلاوس واکنش نشان داد.
رئال پس از ۱۵ روز استراحت به سبب تعویق بازی هفته گذشته‌اش برابر سلتا، امشب به لالیگا بازگشته و در زمین اوساسونا به میدان خواهد رفت.

زیدان در مورد تعویق بازی سلتا و ۱۵ روز دوری از بازی‌ها گفت: «ما همیشه دوست داریم بازی کنیم. ۱۵ روز دوری از مسابقات خیلی سخت است. بازیکنان من همواره مشتاق بازی کردن هستند؛ اما در هر صورت تصمیمی بود که گرفته شد و به آن احترام گذاشتیم. واضح است که اگر هفته قبل بازی می‌کردیم، بهتر بود ولی در هر صورت گذشت و به بازی فردا فکر می‌کنیم. از هر لحاظ هم آماده هستیم.» پیغام به بازیکنان: «به آن‌ها گفته‌ام که به فاصله امتیازی با رقبایا فکر نکنند. ما دو بازی عقب افتاده داریم و مشخص نیست بتوانیم حتما ۶ امتیاز از آن دو مسابقه کسب کنیم. هنوز تاریخ بازی با سلتا را هم نمی‌دانیم؛ پس باید به بازی‌های پیش رو فکر کرده و هیچ قضاوتی هم نسبت به آینده نداشته باشیم.»

بازی برابر اوساسونا: «ما شرایط خوبی داریم. خوب استراحت کرده و از لحاظ بدنی و ذهنی هم آماده‌ی این مسابقه هستیم؛ ولی می‌دانیم که زمین اوساسونا همواره برای رئال دشوار بوده است. بازی بین تیم اول و آخر برای من مفهومی ندارد؛ چون اوساسونا برخلاف جایگاهش، فوتبال خوبی بازی می‌کند. اطمینان دارم بازی سختی پیش رو داریم. زمانی که خودم بازی می‌کردم نیز همیشه بازی در زمین اوساسونا دشوار بود.»

میزبانی برنابو از فینال کوپا دل ری: «کافی است از هواداران بارسلونا در مورد میزبانی نوکمپ از رئال در فینال کوپا دل ری سوال کنید. هیچکدام از هواداران رئال دوست ندارند بارسا در برنابو قهرمان شده و جام بگیرد و خلاف همین مساله نیز صدق می‌کند. دیروز رئیس باشگاه (پرز) گفت که ورزشگاه هنگام بازی فینال در دست تعمیر خواهد بود و هرچه او بگوید، درست است. پس فینال در برنابو نخواهد بود.»

ونگر: در دو جبهه می‌جنگیم

فصل ۹۶-۱۹۹۵ در خارج از ۴ تیم قرار بگیرند.

او گفت: «وقتی شما رقابت‌طلب هستید، می‌جنگید. تا جایی که می‌توانید می‌جنگید و ما در دو جهت در حال جنگ هستیم. از یک جهت برای ماندن در جمع ۴ تیم و از یک جهت برای رسیدن به چلسی. نباید تسلیم شویم. هفته خوب و جذابی است زیرا بازی خوبی در مقطع مهمی از فصل است. همچنین فرصت خوبی برای اینکه نشان دهیم در چه شرایطی هستیم و چه چیز برای ما مهم است.»

پوچتینو: آلی به زودی رهبر تیم ما خواهد شد

او با تجربه است و توصیه‌های خوبی به بازیکنان جوان ما دارد. ولی ما دله آلی را داریم که شخصیت و کاراکترش طوری است که به زودی به یک رهبر تبدیل خواهد شد.

هر بازیکنی در ترکیب تیم کیفیت رهبری را دارد و تنها به زمان نیاز دارد تا این کیفیت را گسترش دهد. خیلی مهم است که شخصیت خوبی داشته باشید و همیشه برای پیروزی بجنگید نه اینکه فقط بگویید می‌خواهم پیروز شوم. باید با تمام وجود جنگید و شور و انگیزه نشان داد.»

رائول: از صعود بارسا به فینال ناراحت شدم

می‌رسد این ناراحتی را بیشتر می‌کند. ولی ما وارد مقطع مهمی از فصل در رقابت برای کسب لالیگا و چمپیونزلیگ می‌شویم. موضوع این نیست که کویا مهم نیست، بلکه این دو جام از اهمیت بیشتری برخوردار هستند و دیدگاه‌ها به تیم را تغییر خواهد داد.»

رائول سپس درباره اهمیت بارسا برای رئال گفت: «حضور لئو مسی و بارسلونا برای لالیگا خیلی خوب است. واقعا خوشحال کننده است. فکر نمی‌کنم رئال بدون بارسا رئال می‌شد و بالعکس.»

فر جام‌خواهی بارسلونا برای محرومیت سوارز

اما باشگاه بارسلونا با انتشار بیانیه‌یی، اعلام کرد که علیه این حکم فرجام‌خواهی خواهد کرد: «اساس فرجام‌خواهی ما بر این است که حرکت بازیکن بارسا تطاقبی با آنچه «شیوه غیرمحتاطانه‌یی» که در گزارش داور آمده، ندارد.»

پیش از این، بارسا به خاطر کارت زردی که بوسکتس به دلیل وقت تلف کردن دریافت کرد، فرجام خواهی کرد که مورد قبول قرار گرفت و او می‌تواند در دیدار نهایی مقابل آلاوس بازی کند.

هوملس: ناراحتم که کلوپ تحت فشار است

او گفت: «اگر وقت داشته باشیم همه بازی‌ها را تماشا می‌کنم. البته که ناراحتم که کلوپ روزهای سختی را تجربه می‌کند. آن‌ها از جام حذفی و جام اتحادیه حذف شدند. من از آن‌ها حمایت می‌کنم و برای‌شان آرزوی موفقیت دارم. آن‌ها روزهای سختی را پشت سر می‌گذارند.»

آرسن ونگر، سرمربی آرسنال مدعی شد که هدف تیمش حضور در بین ۴ تیم برتر لیگ است ولی همچنان در گوشه ذهن‌شان برای قهرمانی تلاش می‌کنند .

دو شکست پیاپی مقابل چلسی و واتفورد، آرسنال را به رده چهارم سقوط داد. با این حال آن‌ها فقط دو امتیاز با منچستر یونایتد رده ششمی فاصله دارند و این در حالست که ۱۲ امتیاز با چلسی صدرنشین اختلاف دارند.
حال ونگر مدعی شد که تیمش نباید اجازه دهد برای اولین بار پس از

مائوریسیو پوچتینو، سرمربی تاتنهام مدعی شد که دله آلی می‌تواند در آینده بهترین رهبر لیگ برتر باشد. آلی ۲۰ ساله خیلی سریع خود را به عنوان یکی از کلیدی‌ترین بازیکنان تاتنهام معرفی کرده است. او سال ۲۰۱۵ از ام کی دونز به تاتنهام پیوست و فصل گذشته عنوان بهترین بازیکن جوان لیگ را از آن خود کرد. با این حال پوچتینو مدعی شد که آلی آینده فوتبال انگلیس است.

او گفت: «البته که حضور هوگو لوریس به عنوان کاپیتان تیم ملی فرانسه در تیم ما خیلی مهم است.

رائول، اسطوره رئال مادرید مدعی شد که صعود بارسا به فینال همیشه او را ناراحت می‌کند.

رئال در کویا دل ری به مصاف سلتا رفت و در مجموع دو بازی از این تیم شکست خورد و حذف شد. در سوی دیگر بارسا موفق شد با شکست رقبا به فینال صعود کرده و حال به مصاف آلاوز خواهد رفت.

رائول در این رابطه گفت: «هر گاه که از رقابتی حذف می‌شوید، مثل اتفاقی که برای رئال در کویا افتاد باعث ناراحتی است و اینکه بزرگترین رقیبتان به فینال

سوارز در دیدار برگشت مرحله نیمه نهایی کویا دل ری مقابل اتلتیکو، به دلیل خطا روی کوکه، اخراج شد و فدراسیون فوتبال اسپانیا او را برای دو جلسه از همراهی تیمش محروم کرد.

کمپته انضباطی اعلام کرد که یک جلسه از محرومیت او به دلیل دریافت کارت سرخ و یک جلسه هم به دلیل امتناع از ترک محدوده فنی بازی بود. به این ترتیب، او علاوه بر دیدار فینال، اولین دیدار فصل بعد بارسا در کویا دل ری را از دست خواهد داد.

لیورپول تنها ۱ پیروزی در سال ۲۰۱۷ به دست آورده‌اند که مقابل تیم دسته سومی پلاموث بوده است. آن‌ها در لیگ برتر نتایج ضعیفی به دست آوردند و اختلاف‌شان با صدر جدول افزایش یافته است. حال هدف آن‌ها حضور در جمع ۴ تیم برتر است و هوملس به حمایت از سرمربی سابق خود پرداخت.

اکنون ما از یک بخشی از گنجینه‌ی عظیم فرهنگ و تاریخ معاصر خود بی‌خبر بودیم. به گفته‌ی معاون رییس‌جمهور، ادبیات نو در تاریخ‌نگاری و احیای زبان فارسی دری در تاریخ‌نویسی افغانستان نیز از ابتکارات علامه کاتب است.

آقای دانش یادآور شد که یکی دیگر از ویژگی‌های علامه کاتب، نوع تفکر سیاسی ایشان است. نوگرایی، عدالت‌طلبی و آزادی‌خواهی شاخصه‌ی اصلی تفکر سیاسی کاتب است. کاتب در عصر خود یک عنصر اصلاح‌طلب بود و یا به تعبیر داکتر مولایی در مقدمه‌ی تمه‌ی جلد سوم سراج‌التواریخ، یک دیگراندیش محسوب می‌شد.

معاون رییس‌جمهور گفت تقدیر از کاتب به معنای تمجید و ستایش لفظی او نیست بلکه تقدیر واقعی از کاتب آن است که اندیشه‌های او در عرصه‌ها و موضوعات مختلف واکاوی، تجزیه و تحلیل شود و از طریق برگزاری سمینارها و نشست‌های علمی و پژوهشی، زوایای پنهان افکار کاتب بازمینی و بازشناسی گردد.

او گفت: «آثار ماندگار او جمع آوری شده و از نو با شیوه‌ی مدرن صنعت چاپ، به نشر سپرده شود. در این رابطه مسئولیت اصلی متوجه نهادهای علمی و فرهنگی ما مثل وزارت‌های تحصیلات عالی، اطلاعات و فرهنگ و ریاست آکادمی علوم و مخصوصاً دانشمندان و نسل جوان تحصیل‌یافته و قلم‌به‌دست معاصر ما است که هم از کاتب تجلیل کنند و هم با حرکت در مسیر پژوهش و آموزش، نهضت علمی و فرهنگی کشور را رونق ببخشند.»

قطع‌نامه‌ی پایانی سمینار

بخش دوم گرامیداشت از علامه کاتب هزاره از سوی بنیاد اندیشه در هوتل انترکاننتینتال برگزار شد. شرکت‌کنندگان این سمینار در پایان یک قطع‌نامه‌ی نه‌ ماده‌ی را صادر کردند.

در این قطع‌نامه آمده است: «ما خواهان ادامه‌ی کار علمی روی معرفی، تفسیر و شرح آثار علامه فیض محمد کاتب و نیز تجلیل از مقام علمی او و معرفی‌اش به نسل جوان امروز و نسل‌های حقیقت‌جویی فرزندان این سرزمین هستیم.»

این قطع‌نامه همچنان از مقامات عالی دولت و نهادهای علمی و اکادمیک کشور خواسته تا آثار علامه فیض محمد کاتب هزاره از طرق مختلف تکثیر و ترویج شود و به عنوان متن درسی در مقاطع تعلیمات عمومی و تحصیلات عالی از آن‌ها استفاده گردد.

در این قطع‌نامه آمده است: «ما خواهان نشر مفاد کنفرانس‌ها، سمینارها و یادبودها که به تجلیل از علامه در سراسر جهان صورت می‌گیرد می‌باشیم و نیز توقع داریم که آثار علامه به زبان‌های زنده و معتبر ترجمه گردد تا برای محققین دنیا منبع مفیدی از تاریخ کشور در دسترس باشد و همچنین آثاری که در مورد علامه و آثارش به زبان‌های دیگر نشر شده و یا می‌شود به زبان‌های ملی کشور ترجمه و نشر گردد.»

دبیر خانه‌ی سمینار علمی گرامیداشت هشتادوششمین سالگرد وفات کاتب هزاره از مقام ریاست جمهوری خواسته است که با صدور فرمانی لقب به‌جا و شایسته‌ی «پدر تاریخ‌نگاری معاصر افغانستان» را به ملا فیض محمد کاتب هزاره اعطا کند.

از کتابت رنج تا ضرب‌مدال دولتی تجلیل از ۸۸مین سالگرد وفات پدر تاریخ معاصر

الیاس نواندیش



استوار به مطالعه‌ی تاریخ خود روی بیاورند و این آگاهی را در سطح جامعه گسترش بدهند.

اعمار بنای یادبود و ضرب‌مدال

رییس‌جمهور غنی در بخش اخیر سخنرانی خود به‌خاطر قدردانی بیشتر از خدمات ارزشمند علامه کاتب هزاره، هدایت داد تا بنای یادبود بر آرامگاه علامه کاتب اعمار گردد و همچنان وزارت عدلیه مراحل قانونی ضرب‌مدال به نام علامه فیض محمد کاتب هزاره را روی دست گرفته و جهت تصویب به کابینه ارایه نماید.

اگر کاتب نمی‌بود!

سرور دانش، معاون دوم رییس‌جمهور در این سمینار گفت یکی از دلایل و انگیزه‌های برگزاری این سمینار این است که تاریخ و فرهنگ هر کشور، نماد وحدت ملی مردمان آن کشور است و از این جهت علامه کاتب یکی از برازنده‌ترین چهره‌هایی است که در تدوین، حفظ و احیای این نهاد وحدت ما سهم اول را داشته است.

آقای دانش در سخنرانی در مراسم گرامی داشت از علامه فیض محمد کاتب هزاره گفت: «علامه کاتب پدر تاریخ‌نگاری معاصر افغانستان است که هم از نگاه حجم کار و هم از نگاه کیفیت روایت و شیوه‌ی تدوین و عمق و غنا و موثق و معتبر بودن محتوا، سرآمد همه‌ی مؤرخان پیشین و پسین افغانستان به شمار می‌رود و همه کسانی که در دوره‌ی معاصر درباره‌ی تاریخ افغانستان قلم زده‌اند، مدیون کاتب بوده و بر دست‌رخوان پربرکت او نشسته‌اند و از خوان پر نعمت او بهره برده‌اند.»

به گفته‌ی او، اگر کاتب و کار سترگ وی نمی‌بود،

از هشتادوششمین سالگرد وفات علامه فیض محمد کاتب هزاره، مورخ نامدار افغانستان با حضور رییس‌جمهور غنی، معاون رییس‌جمهور، اعضای بلندپایه‌ی حکومتی، رؤسای نهادهای مستقل، استادان و محققان، شخصیت‌های و فرهنگی کشور در کابل گرامیداشت شد.

رییس‌جمهور غنی به روز پنج‌شنبه در سمینار علمی گرامیداشت از هشتادوششمین سالگرد کاتب هزاره گفت فیض محمد کاتب درد مشترک مردم افغانستان را ثبت و تدوین کرده است.

این مراسم از سوی ریاست جمهوری، معاون دوم رییس‌جمهور و بنیاد اندیشه (نهاد تحقیقاتی غیردولتی) در ارگ ریاست جمهوری برگزار شده بود.

به گفته‌ی او، هنگامی که شاهکار کاتب را در مقایسه با دیگر کسانی که قبل یا بعد از او دست به این کار زده‌اند، مقایسه کنیم و مزایای برجسته‌ی کار او را متوجه شویم، به این نتیجه می‌رسیم که او به حق پدر تاریخ‌نویسی معاصر افغانستان است و آثار او باری نسل‌ها قابل مطالعه و استفاده خواهد ماند.

رییس‌جمهور در سخنرانی خود گفت کمتر مورخی پیدا می‌شود که هم خود شاهد بیشتر تحولات باشد، هم به منابع و اسناد دست اول دسترسی داشته باشد، هم صاحبان قدرت را از نزدیک بشناسد و هم دیدگاه وسیعی نسبت به تحولات سیاسی، اجتماعی و تاریخی داشته باشد.

«تاریخ‌نویس دولت‌داری در افغانستان»

رییس‌جمهور غنی در این سمینار گفت کاتب تاریخ‌نویس دولت‌داری در افغانستان است و اهمیت کار او را وقتی بیشتر درک می‌کنیم که بدانیم او در نگرش تاریخی خود تحت تاثیر این خلدون قرار داشت.

رییس‌جمهور غنی گفت: «اهمیت کار کاتب در این است که هرچند او مامور دربار بوده و در دستگاه دولتی کار می‌کرد، اما تصویر او از رویدادهای تاریخی تصویر یک‌طرفه نیست که تنها کارنامه‌ی حاکمان را به ثبت رسانده باشد، بلکه هم‌زمان مقاومت مردم در مقابل قدرت مطلقه را نیز به تصویر کشیده است.»

به گفته‌ی رییس‌جمهور حضور کاتب در دربار باعث شد تا او به کتاب‌های زیادی دسترسی پیدا کند و معلوماتش را افزایش دهد.

رییس‌جمهور گفت: «کاتب هم مقاومت مردم هزاره را در تاریخ خود به تصویر می‌کشد و هم مقاومت اقوام دیگر در برابر قدرت مطلقه را در سایر نقاط کشور. او در حقیقت درد مشترک مردم را ثبت و تدوین کرده است.»

فیض محمد کاتب هزاره، یکی از تاریخ‌نویسان نامدار معاصر افغانستان است که آثار متعددی در زمینه‌ی تاریخ افغانستان نوشته است. کاتب در آثار خود، مخصوصاً در کتاب مشهور سراج‌التواریخ خود رویدادهای افغانستان را از روز تاسیس آن به رهبری احمدشاه ابدالی تا آغاز دوره‌ی نادر خان (۱۷۴۷ تا ۱۹۲۹)، نزدیک به دو قرن و مخصوصاً چهل سال سلطنت امیر عبدالرحمان خان و امیر حبیب‌الله خان را به تصویر کشیده است.

رهایی از اسارت گذشته

رییس‌جمهور در سخنرانی خود در این سمینار گفت ما نیاز مبرم به این داریم که گذشته‌ی تاریخی خود را بیشتر و بهتر درک کنیم و این درک تاریخی باید ما را کمک تا در اسارت گذشته

گرفتار نماییم. او گفت: «ما با داشتن آگاهی تاریخی می‌توانیم به این نتیجه برسیم که قدرت مطلقه چاره‌ساز نیست، و دولت‌سازی بدون ملت‌سازی راه به جایی نمی‌برد.»

به گفته‌ی وی، درک ما از تاریخ و جغرافیای کشور به‌مثابه‌ی بستر ملت‌سازی، ما را به این باور می‌رساند که بدون مشارکت همگانی و درک همگانی از دردها، آرزوها و خواسته‌های مشترک نمی‌توان از بحران‌ها با موفقیت عبور کرد.

«فقدان آگاهی تاریخی و جنگی که اکنون گریبانگیر کشور ما است»

غنی گفت جنگی که اکنون در کشور است، فرصت‌های بازسازی و انکشاف را در معرض تهدید قرار می‌دهد، یک عامل آن فقدان آگاهی تاریخی است.

او افزود کسانی که رگ و ریشه‌ی تمدنی خود را از یاد برده و از آن گسسته‌اند، تنها نقشی که توانسته‌اند به عهده بگیرند تبهکاری و ویرانگری است و افراطیت موجود برخاسته از این جهل و ناآگاهی تاریخی است.

رییس‌جمهور گفت: «ما از طریق مطالعه باآثار این‌چنین شخصیت‌های علمی خود، دیروز خود را می‌شناسیم و ماضی خود را درک می‌کنیم. آثار این دانشمندان به ما این را نشان می‌دهد که ماضی ما تنها، ماضی جنگ و قدرت مطلقه نبود، بلکه ماضی تمدن بزرگ مبارزه، مقاومت، فرهنگ، تفکر و هنر بود.»

آقای غنی ابراز امیدواری کرد که پرداختن به چهره‌های ماندگار و نامداری چون فیض محمد کاتب، انگیزه‌ی شود تا جوانان با همت بلند و

داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

تغییر در سیستم اخذ تکت آریانا

DUBAI

JEDDAH

ISTANBUL

ANKARA

MOSCOW

URUMQI

DELHI

- 1 مسافین محترم آریانا میتوانند هر قدر که تکت های خود را از قبل خریداری نمایند، قیمت نازل تر را بدست آورند.
- 2 سهولت انت‌خاب سیت برای مسافین محترم در هنگام خرید تکت ها بوجود آمده، که مسافین محترم میتوانند هنگام خرید تکت ها، سیت های خویش را نیز انتخاب نموده و قید نمایند.
- 3 شرکت های سیاحتی میتوانند برای مسافین گروهی خود قیمت نازل تر را نسبت به قیمت اصلی در سیستم بدست بیاورند.